

شکنجه گران باید در دادگاه های
علنی و در حضور مردم و نیروهای
انقلابی محاکمه و محکوم گردند.

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم - شماره ۹۱

پنجشنبه ۱۱ دیماه ۱۳۵۹

۱۶ صفحه - ۲۰ ریال

شکنجه زندانیان جمهوری اسلامی را افشای کنیم

مدتهاست که مسئله شکنجه زندانیان توسط عوامل هیات حاکمه، تبدیل به موضوعی شده است که همه جا در مورد آن صحبت و بحث میشود. از اولین ماههای استقرار حکومت جمهوری اسلامی تاکنون گزارشات و دلایل مستند و کاملاً معتبر و بیشماری از جانب نیروهای انقلابی-مبنی بر وجود شکنجه و گسترش آن در زندان های رژیم انتشار یافته است. این اسناد و دلایل عینی از یک سو و موج دستگیری و شکنجه نیروهای انقلابی و ضعیفتری را پدید آورده است که آنکارا را عمال شکنجه توسط سخنگویان جمهوری اسلامی با امر دشواری بدل شده است. اکنون بسیاری از توده های میهن مان یقین حاصل کرده اند که زندانیان و سوبیزه زندانیان انقلابی در ریدانهای حکومت جمهوری اسلامی شکنجه شده و علاوه بر زندانیان رسمی کشور در بسیاری موارد، انقلابیون توسط ما موران رژیم زخا نه و خیابان، ویا محل کار خود ر بوده شده و در خانه های مخفی به شدیدترین وجهی مورد شکنجه قرار میگیرند. خلقهای زحمتکش ایران - اگر چه با ناباوری - بتدریج در می یابند که چگونه پس از مدتها مبارزه و تحمل صد ها هزار شهید و معلول، رژیمی را بجای رژیم منفور شاه نشاندند که با توسل به همان شیوه های گذشته به شکنجه زندانیان سیاسی می پردازد. هنوز بیش از دو سال از عمر حکومت جمهوری اسلامی نمیگذرد، اما در این فاصله کوتاه، هر روز بر تعداد زندانیان سیاسی افزوده شده و متناسب با آن تعداد زندانیانی که شکنجه شده اند افزایش یافته است. بقیه در صفحه ۲

آیت الله خمینی و مسئله دانشگاهها

وبالآخره جان کلام او این بود که "خطر دانشگاه از خطر بمب خوشه ای بالاتر است آیت الله خمینی بدرستی دریافته که دانشگاه سنگر است. آری دانشگاه سنگر نیروهای مترقی است که در تمام دوران سیاه پهلوی، انقلابیون بنفع زحمتکشان و علیه دیکتاتوری و امپریالیسم بقیه در صفحه ۸

سخنرانی آیت الله خمینی در روز پنجشنبه ۲۸ آذرماه، صحنه ای دیگر برای افشای حاکمیت و گوشه ای از ترس هیئت حاکمه از کمونیست ها و دیگر انقلابیون را نشان داد. او گفت "دانشگاه در چنگال کمونیستها و چریکها و سایر ارگانهای منافق بود" در قسمتی دیگر، فحوائ کلامش این بود که دانشگاه را به سنگر تبدیل کرده بودند

جنگ و تاثیرات آن بر مبارزات کارگران

با آغاز جنگ دولتهای ایران و عراق، مبارزات اقتصادی کارگران در مهرماه فروکش نمود. در مراحل اولیه جنگ، اکثر کارگران تحت تاثیر تبلیغات دولت و زوائد آن و بر اثر ناآگاهی و شور میهن پرستی افراطی، به دفاع از سرما به داران کشیده شدند. مبارزات اقتصادی کارگران تحت الشعاع جنگ قرار گرفت. سرمایه داران و دولت حامی آنان از موقعیت بدست آمده، سودجسته و پشت سر هم بخشنا مه برای تولید بیشتر، ساعت کار بیشتر و قطع مزایا و نهار و غیره بقیه در صفحه ۷

ادامه وابستگی به بهمانه حل بحران پیکاری

صفحه ۹

درباره تبلیغ و نقش آن

صفحه ۱۰

در این شماره

- جنگ، کارگران... و شورا
- اخبار کارگری
- فدائیان خلق چه میگویند
- خبرهایی از شهرهای شمال

"کمیته مرکزی"

دیروز محاکمه گروه گانها
امروز تا اید آزادی آنها! فردا؟

صفحه ۸

رقما، هواداران!

با کمکهای مالی خود
سازمان را در امر پیشبرد
انقلاب یاری رسانید

تنها تسلیح توده ها در شوراهای انقلابی تحت رهبری نیروهای انقلابی ضامن مقابله
بهرگونه تجاوز، و برقراری صلح است

شکجه زندانیان

تکامل مبارزه توده‌ای علیه دشمنان انقلاب، و تشدید فعالیت سازمانهای انقلابی و پیشروا زیکسو، نقض آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک توده‌ها توسط حاکمیت از سوی دیگر نشان میدهد که بتدریج شکجه زندانیان سیاسی با مرایجی تبدیل خواهد شد. اعمال جواختناق از جانب رژیم که یکروز به بهانه "مبارزه ضد امپریالیستی" و روز دیگر به بهانه "جنگ با عراق" تشدید میشود، نشانه بارز و آشکاری از جدائی حکومت جمهوری اسلامی نسبت به توده‌ها است. حکومتی که دست به شکجه فرزندان انقلابی خلق میزند نمیتواند رژیم مردمی و مدافع منافع توده‌ها باشد. اینک پس از مدت‌ها افشاگری هیئتی بنام "هیئت بررسی شایعه شکجه" به دستور آیت الله خمینی و توسط آیت الله موسوی اردبیلی دادستان کل کشور ما موریت تحقیق در این زمینه را بر عهده گرفته است. اما این هیئت هیچگاه "بی طرف" نبوده و اکثر طرفدار حزب جمهوری اسلامی هستند. حتی عنصری نظیر بشارتی (نماینده مجلس) در آن شرکت دارد که اسناد همگاری وی با ساواک قبلا از جانب نیروهای انقلابی افشاء شده است! در نتیجه مسلما عملکرد این هیات و نتایج بررسی آن نمیتواند مورد اعتماد خلق باشد. چندین صدای لیبرالها نیز در اعتراض به شکجه بلند شده است و این اقدام برای اولین بار توسط بنی صدر در سخنرانی ای که در میدان آزادی (روز عاشورا) ایراد نمود آغاز شد و پس از آن روزنامه‌های انقلاب اسلامی و میزبان مقاله‌های فرارانی در این زمینه سچاپ رسانده اند. آنها از وقتیکه در رقابت با حزب جمهوری اسلامی بسیاری از امتیازات و قدرت خود را در دستگاه دولت از دست داده اند، آه و ناله‌های

حقیت نبوده و نخواهند بود، آنها تنها در شرایطی که منافع و مصالح خود را که در حقیقت منافع و مصالح سرمایه‌داران و زمینداران است (در خطر ببینند حاضرند بنام "انقلاب" و "مردم" و "بوی کسب امتیازات دولتی، از وجود شکجه سخن بگویند. در یک چنین شرایطی که لیبرالها با جناح رقیب (حزب جمهوری اسلامی) در ستیز قرار دارند و کوشش می‌کنند تا از تنفر و خشم توده‌ها نسبت به شکجه در جهت منافع خود استفاده کنند، وظیفه همه نیروهای مترقی و انقلابی ست که در حین افشاء شکجه زندانیان، توده‌های خلق را نسبت به اهداف ضد انقلابی لیبرالها آگاه نمایند. بویژه کمونیستهای انقلابی باید با مراقبتهای درمورد شکجه زندانیان بهای لازم را داده و بیدان بعنوان یک وظیفه انقلابی بنگرند و این ننگ جمهوری اسلامی را ننگین تر سازند. باید به طبقه کارگر و توده‌ها توده‌های زحمتکش نشان داد که زندانیان انقلابی تنها به خاطر فعالیت‌های انقلابی و آزمانهای والای انسانی خود مورد شکجه عوامل رژیم جمهوری اسلامی قرار میگیرند. باید نشان داد که آنها برای مبارزه علیه سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و آگاه نمسودن و سازماندهی مبارزات خلق مورد شکجه قرار میگیرند.

مسلمانان انقلابیون راستین تمام این شکجه‌ها را در راه آزادی خلق تحمل کرده و همچون گذشته لب به سخن نگشوده و شکجه‌گران را در رسیدن به اهدافشان ناکام خواهند گذاشت. رهنمود سازمان به کلیه هواداران آنستکه در راه افشاء شکجه زندانیان معیشت خانواده‌های زندانیان انقلابی از هیچ کوششی فروگذار ننمایند.

با کمکهای مالی خود سازمان رایاری رسانید!

رقم	نام	رقم	نام	رقم	نام	رقم	نام	رقم	نام
۱۰۰۰	م	۱۰۰۰	م	۱۰۰۰	م	۱۰۰۰	م	۱۰۰۰	م
۲۰۰۰	م	۲۰۰۰	م	۲۰۰۰	م	۲۰۰۰	م	۲۰۰۰	م
۳۰۰۰	م	۳۰۰۰	م	۳۰۰۰	م	۳۰۰۰	م	۳۰۰۰	م
۴۰۰۰	م	۴۰۰۰	م	۴۰۰۰	م	۴۰۰۰	م	۴۰۰۰	م
۵۰۰۰	م	۵۰۰۰	م	۵۰۰۰	م	۵۰۰۰	م	۵۰۰۰	م
۶۰۰۰	م	۶۰۰۰	م	۶۰۰۰	م	۶۰۰۰	م	۶۰۰۰	م
۷۰۰۰	م	۷۰۰۰	م	۷۰۰۰	م	۷۰۰۰	م	۷۰۰۰	م
۸۰۰۰	م	۸۰۰۰	م	۸۰۰۰	م	۸۰۰۰	م	۸۰۰۰	م
۹۰۰۰	م	۹۰۰۰	م	۹۰۰۰	م	۹۰۰۰	م	۹۰۰۰	م
۱۰۰۰۰	م	۱۰۰۰۰	م	۱۰۰۰۰	م	۱۰۰۰۰	م	۱۰۰۰۰	م

استقلال - کار - مسکن - آزادی



دست میدهد. بطور مثال، مدیریت که در اوایل جنگ نه تنها ساعات کار را به ۵۱ ساعت در هفته افزایش داده بود بلکه در تعطیلات رسمی هم کارکنان را وادار به کار میکرد، شورای مرکزی اخیرا موفق میشود ساعات کار را از ۳/۵ بعد از ظهر به ۳ کاهش داده و پنجشنبه ها نیز صورت شیفته

تعطیل شود. همچنین شورای این واحد در زمینه های رفاهی و آموزشی نیز گامهای مفیدی برداشته است از آنجمله میتوان تهیه پودر رختشویی، پنجم مرغ، سیگار و... و همچنین کلاسهای امداد را نام برد این شورا با تشکیل گروه امداد که حدود ۲۰۰ نفر میباشند با بهره گیری از بیمارستان های وزارت بهداشت به آموزش کارکنان پرداخته است. از اقدامات دیگر این شورا تشکیل کمیتهای برای جلوگیری از سنگ اندازیهای مدیریت و بررسی شکایات کارگرین در رابطه با آنها میباشد، که خشم مدیران را برانگیخته است.

شرکت امپلویتا

(در رابطه با تأسیسات سد لار)

در این شرکت که ۱۸۰۰ کارگر در زمینه های خاک برداری، آبرسانی و حفرتونل فعالیت میکنند، از اوایل شهریور ماه تا اوایل خرداد حدود ۱۰۰۰ کارگر را اخراج کرده اند در آبانماه عوامل ضد کارگر در این شرکت فعالیت خود را گسترش داده و شورای واقعی کارگران را نیز منحل مینمایند. آنها با جایگزین کردن شورای فرمایشی خود هم چنین سعی دارند بین مختلف بین کارگران اختلاف انداخته و از اتحاد آنها جلوگیری نمایند. اعتراض کارگران در رابطه با این وقایع از چندین پیش آغاز شده و همچنان ادامه دارد.

کارخانه مهمات سازی

در آبانماه بطور خلاصه شورای کارخانه چنین وضعیتی داشت:
در اوایل ماه مهندس ضد کارگری که بجرم تقلب در برگه بنزین ما موریت یک روزه خود قصد داشت برای ۱۴ روز بنزین دریافت کند، توسط شورا اخراج میشود. مدیریت کارخانه که برای از دست دادن یکی از عوامل خود ناراحت شده بود، با فشار مانع اخراج او شده و فرد مزبور سه هزار تومان جریمه میشود، شورای کارخانه در این رابطه بخشنا ماهی صادر کرده، علاوه بر افشای مهندس به مدیریت نیز حمله میکند. مدیریت با پخش آن مخالفت میکند، نمایندگان برای این مساله پافشاری مینمایند. بحث و درگیری مجدداً اوج میگیرد. یکی از نمایندگان میگفت:
"اگر ما بخشنا مه نکنیم، پیشروا علامیه

بخیه در صفحه ۶

اخبار کارگری چند از شوراها

صنایع هواپیمائی

شورای این کارخانه که هیچ حرکت مهمی در جهت منافع کارکنان نداشت حتی با صدور اطلاعیه ای از آنان خواسته بود که از نیازهای خود چشم پوشیده و با انجمن اسلامی و مدیریت همگام شوند، نتوانست از تغییر و تحولات ناشی از جنگ دور بماند این شورا در اوایل مهرماه اطلاعیه شدیدی را در مورد بازگشتن تعدادی از افراد پاکسازی شده، خطاب به مدیریت صادر کرد. شورا در این بخشنامه مدیریت را به سوء استفاده از اختیارات خود در این شرایط جنگی متهم مینماید. هر چند که این شورا در سنگر دفاع از همکاران این واحد قرار ندارد، ولی در رابطه با اوگیری تضادهای انجمن اسلامی و مدیریت از مواضع یکی به حمله علیه دیگری پرداخته است. عمق این تضادها بدانجا رسیده است که این شورا در اطلاعیه خود گفته است:

"مدیرانی که در امرشورا اخلال ایجاد نمایند با نام به کارکنان معرفی که با شناخت و معرفی آنها اولاد می در جهت یکنواخت کردن محیط کاری برداشته و ثانیاً مدیرانی را که باعث تضعیف شورا میگردد معرفی نماید. البته بگذریم از اینکه آنها در صورتی مدیران افشا میکنند که در امرشورا اخلال نمایند با این دلیل که علیه منافع کارکنان حرکت کرده است چون خودشان هم میدانند که منافع کارکنان با منافع این شورا دو چیز کاملاً متفاوت میباشد.

نوسازی هلیکوپتر

با شروع جنگ که منجر به تقویت مدیریت و انجمن اسلامی در این واحد شده بود، شورا هیچ حرکت محسوسی نداشت ولی در آبانماه با روشن شدن نسبی ماهیت جنگ و تغییر ذهنیت کارکنان در این رابطه، مدیریت قدرت سابق خود را از

کارخانه کفش ملی

در آبانماه هیئت مدیره تهاجم به کل شوراها را آغاز میکند. آنها میگویند شوراها غیر قانونی هستند، چرا که مجلس هیچ تصمیمی در این مورد نگرفته است. هیئت مدیره کارخانه ابتدا به سخنان حامیان خود در حاکمیت - که اساس آنرا نیز تشکیل میدهند - توسل میجویند. اما وقتی می بینند که با این ترتیب نمی توانند همواره اهداف خویش را به پیش ببرند به حیلله های دیگری متوسل میشوند. آنها ردیالانه توطئه های گوناگونی را در جهت رسیدن به خواسته های خود که در نهایت از بین بردن شکل کارگران و ایجاد شرایط بهتری برای استثمار آنها میباشد طرح ریزی میکنند. مثلاً در این کارخانه، هیئت مدیره ابتدا به نا بودی شوراها میپردازد که از پایگاه توده های وسیعی برخوردار نیستند - هر چند که عامل سرسپردگی مدیریت هم نمی باشند - مثلاً شورای یکی از شرکتهای کارخانه که حدود ۱۲۰ نفر کارگر و کارمندان در توسط هیئت مدیره کارخانه آنچنان زندان منحل میشود که مورد اعتراض کارگران قرار نمیگیرد. مدیریت این واحد با استفااده از مساله حق سختی کار که یکی از خواسته های این کارگران میباشد با این حیلله متوسل میشود. آنها با بی شرمی تمام برای توجیه کار خودشان میگویند:

"ما میخواهیم حق سختی کار را بدهیم ولی شورا حاضر نیست"، و بدین ترتیب موفق به انحلال شورا می گردند. البته هر چند که این شورا خود تحرک چندانی نداشت ولی سرسپردگی مدیریت هم نبود، کارگران باید توجه داشته باشند که انحلال شوراها همواره بمنفع مدیریت و سرمایه داران میباشد. ما باید با تکیه بر تشکیل مجمع عمومی بطور مداوم و برقراری تجدید انتخابات، نمایندگان واقعی خود را به شوراها بفرستیم و بدین ترتیب آنها را تبدیل به ارگانهای انقلابی نموده جلو هرگونه اعمال ضد کارگری درون کارخانه ها را بگیریم.

۳ ساعت کار در هفته خواسته همه کارگران است

جنگ، کارگران... و شورا

توطئه‌های حاکمیت علیه شوراها و متوقفی همچنان ادامه داشت که جنگ ایران و عراق آغاز شد. دشمنی با این شوراها که توسط انجمن‌های اسلامی و مدیریت و غالباً با رهبری انجمن‌ها پیش میرفت پس از آغاز جنگ روند دیگری یافت و شوراها و انقلابی توانستند برای مدت کوتاهی از زیر ضرب خارج شوند. اما محدودیکماه بیشترنگذشته بود که مجدداً ضربات آغازگشت و از آن پس بعدیمروربر شدت این ضربات افزوده شد و هم‌اکنون نیز ادامه دارد.

برای بررسی بهتر تا شیرات جنگ بر شوراها و کارخانه‌ها لازم است دو دسته از شوراها را مدنظر قرار دهیم، شوراها و زرد و انقلابی تا با بررسی تغییر روند حرکت هر یک از این شوراها تصویری هر چه عینی تر از تا شیرات جنگ بر آنها ارائه داده، به تعیین وظایف آتی آنها بپردازیم. تا پیش از جنگ شوراها و زرد که نمایندگان متشکله در آن آگاهانه یا ناآگاهانه در خدمت سرمایه‌داری بودند، با تمام قوا میکوشیدند تا مانع مبارزه کارگران بر علیه مدیران و کارخانه‌داران گردند. آنها سعی میکردند تا "نظم" دلخواه را در محیط کار ایجاد کنند، و سرمایه‌داران نیز به استثماری کارگران می پرداختند. این شوراها که ترکیب غالبشان یا افراد انجمن اسلامی بودند یا عوامل مدیریت میکوشیدند تا هرگونه مبارزات کارگران را نتیجه "اخلالگری" تعدادی اندک معرفی کنند و با این ترتیب کارگران آگاه و مبارزان را اخراج میکردند بخصوص در آن شوراها و کارخانه‌ها که افراد انجمن اسلامی ترکیب غالب را داشتند و تفتیش عقاید فضای کارخانه را بر میگرد.

آغاز جنگ حرکات فوق الذکر شوراها و زرد را تحت الشعاع قرار داد. اکنون حاکمیت ما هیئت بورژوازی، وظیفه اصلی جدیدی را در مقابل آنان قرار میداد: تبلیغ و تهییج برای ایجاد فضائی آکنده از احساسات ناسیونالیستی و بسیج نیرو برای جنگ، جنگی که در ادامه سیاستهای دولتی ایران و عراق بوجود آمده و جنگ بین بورژوازی ایران و بورژوازی عراق بود. شوراها و زرد، دوش بدوش انجمنهای اسلامی به "بسیج کارگران، آموزش ابتدائی و اعزام به جبهه" پرداختند. البته لازم به یادآوری نیست که حتی در این شرایط هم دست از تفتیش عقاید برنداشته و با تمام قوا مواظب بودند تا مبادا عناصر مترقی وارد بسیج گردند. از طرف دیگر این شوراها به تلاش برای فریب کارگران جهت تولید بیشتر پرداخته و با تمام قوا برای تحقق آن، میکوشیدند. با گذشت مدت

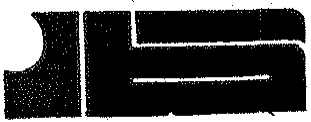
زمانی از جنگ و اوگیری مجدد تضادهای بین لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی که انعکاس مشخص خود را در کارخانه‌ها بین دوارگان مدیریت و انجمن اسلامی به نمایش میگذاشت، این شوراها تبدیل به کارگران جنگ این دو نیرو شدند. انجمنهای اسلامی از طرفی و مدیریت از طرف دیگر هر یک سعی داشتند تا تسلط نیروی خود در این شوراها به منفرد کردن دیگری بپردازند. این درگیریها بعد از سخنرانی بنی صدر در عا شورا با وج خود رسید و اکنون نیز که در جریان دعوا بر سر سهم بیشتر، زمزمه‌های آشتی مجددی، در ظاهر نشان میدهد درگیری درون این شوراها نیز تخفیف یافته است. اما همچنان هر یک از دو نیرو سعی دارند تا غلبه یافتن خود در اینگونه شوراها را تبدیل به کارگران اعمال اراده خود در کارخانه نمایند. ضمن آنکه هر جا با مبارزه متشکل کارگران روبرو میشوند، اختلافات خود را کنار گذاشته، با اتحاد کامل به سرکوب آنان می پردازند اما شوراها و انقلابی که در آن نمایندگان واقعی کارگران حضور دارند، آنچنان خط حرکتی داشته اند که مضمون آن دفاع از منافع کارگران می باشد. این مضمون که تا پیش از جنگ در جلوگیری از اخراج کارگران، مقابله با قوانین ضد کارگری، ایجاد فضای دمکراتیک درون کارخانه و غیره... خود را نشان میداد، پس از جنگ شکل دیگری یافت. شوراها و انقلابی که در هر حرکتی اساساً تشکل کارگران را مدنظر دارند، اکنون از طریق دیگری با ید در این زمینه اقدام می نمودند.

آغاز جنگ که باعث شده بود این شوراها موقتاً و تا حدودی از آنها جم حاکمیت خلاصی نیابند و بخصوص در برخی از کارخانه‌ها نجات که شرایط مهیا تر بود، این شوراها به سازماندهی کارگران پرداختند و کارگران را در کمیته‌های مختلف آموزش نظامی، استفاده از تیربار، امداد آتش نشانی و غیره متشکل کردند. بدین ترتیب علاوه بر اینکه کارگران آمادگی لازم جهت مسلح شدن را پیدا می کردند به شکل مناسب برای منفرد کردن عوامل ضد کارگری می یافتند. شوراها و کارگری که در اثر تهاجمات پیش از جنگ قدرت خود را تا حد زیادی از دست داده بودند اکنون آرام آرام موقعیت گذشته خود را بازیافتند. اما هنوز مدت زیادی از آغاز جنگ نگذشته بود که چاکران بورژوازی - دشمنان انقلابی - حملات خود را آغاز کردند. شوراها و انقلابی مجدداً زیر ضرب قرار گرفت و همچنان بر

شدت ضربات افزوده میشد. اگر قبلاً عمدتاً انجمن‌های اسلامی رهبری حمله بشوراها و انقلابی را در دست داشتند، پس از گذشت مدتی از آغاز جنگ، انجمنهای اسلامی و مدیریت - در دوره‌ای که تضاد بین لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی تا حدی تخفیف یافته بود - هر دو با هم با این شوراها یورش آوردند اما تضادهای دو جناح مدت زیادی پنهان نماند و اینبار با شدت بیشتری آشکارا شد. کم‌کم قدرت گیری بیشتر حزب در حکومت منجر به این شد که لیبرالها به رهبری بنی صدر وجهه آزادیخواهی دروغین بخود گرفتند و بدین ترتیب حزب را تضعیف نمایانند. در همین رابطه در اغلب کارخانه‌هایی که (بخصوص کارخانه‌های دولتی) مدیران قصد ضربه زدن به انجمن‌های اسلامی را داشتند، از آنها جم بشوراها و انقلابی دست کشیدند حتی در برخی موارد برای منفرد نمودن انجمن اسلامی، فریبکارانه خود را با این شوراها نزدیک نمودند. همچنین اکنون که حدود سه ماه از آغاز جنگ میگذرد، به دلیل جو "ضد آخوندی" که درون کارخانه‌ها ایجاد شده است، خود انجمن‌های اسلامی نیز تا حد زیادی تضعیف گردیده اند. بطور کلی اوگیری تضادهای مدیریت و انجمنهای اسلامی درون کارخانه‌ها از یکسوی شکل گیری مجدد مبارزات کارگری از سوی دیگر پس از جنگ که علت آن ناشی از بحران اقتصادی شدید و فقر کم‌رشدن ناشی از عواقب جنگ می باشد، نه تنها مانع تضعیف ضربات وارده به شوراها و انقلابی شد، بلکه آنچنان شرایطی را ایجاد کرده اند که بیش از هر زمان دیگری زمان مناسب شکوفائی فعالیت شوراها و انقلابی است. اکنون که احتمال اخراج کارگران، تعطیل کارخانه‌ها و... در آینده نزدیکی بسیار زیاد است، شوراها با ید با تمام قوا به پیش بتازند. اکنون که ترس از قدرت گیری شوراها و انقلابی، مدیران و انجمنهای اسلامی را مجدداً به یورش و توطئه‌های آشکار کننده است، شوراها بیش از هر زمان دیگری باید به افشای تمام عوامل ضد شورا بپردازند. تنها جم در جهت هر چه بیشتر در تمام مسائل جاری در کارخانه، تنها جم برای مقابله با خودسری‌های سرمایه‌داران و دفاع از منافع کارگران و بلاخره تلاش در جهت ایجاد هیئت‌های تحقیق کارگری. شوراها به پیش.



تعطیل دور روز در هفته گامی در جهت تأمین رفاه کارگران و
لازمه ارتقاء آگاهی آنان است



حوادث اخیر آمل

به دلیل روحیه مقاومت توده‌ها و جوانی مکرانیک که برای شهر حاکم بود، نیروهای سیاسی می‌توانستند آزادانه‌تر فعالیت انقلابی و آگاه‌گرانه خود ادامه دهند.

روز سه‌شنبه یازدهم آذرماه بدنبال هشدارها و اخطارهایی که از رادیو تلویزیون پخش شد، فالانژها در معیت پاسداران حمله به نیروهای انقلابی و توده‌ها را آغاز کردند. این شهر چهار ساعت "لاینقطع زیر رگبار گلوله و گاز اشک‌آور قرار داشت، و برای همگان، روزهای مبارزات خیابانی توده‌ها با مزدوران رژیم مغرور پهلوی تداعی می‌شد. جنگ و گریز در کوچه‌ها و خیابانها بالا گرفته بود، از گوشه و کنار شهر همچون روزهای قیام و قبل از آن صدای شلیک گلوله و انفجار بگوش می‌رسید. نیروهای انقلابی تظاهرات افشاگرانه‌ای موضعی برآوردند. جوش و خروش همگانی و اتحاد بین مردم جریان داشت در خانه‌ها باز بود تا آنها که از یورش پاسداران گریخته بودند، پناه گیرند. این روز پس از ۴/۵ ساعت درگیری با مجروح شدن چند نفر و دستگیری عده‌ی زیادی توسط سپاه پاسداران به شب رسید.

اما روز بعد مادران دستگیر شدگان در فرمانداری متحصن شدند. مادری که در فرزندش در زندان جمهوری اسلامی بود می‌گفت:

"ما گفتیم بعد از شاه نوشت آمریکا است، پس کو؟ مثل اینکه بعد از شاه نیت نیروهای انقلابی شده و مگر آنهمی گویند؟ مردم همه از گرانی، کمیابی، صف‌های طولیل ناراضی هستند دیگر این سرکوب‌ها را نمی‌توانیم تحمل کنیم ما آزادی می‌خواهیم."

بچه‌های ما آزادی می‌خواهند. مادر دیگری می‌گفت: "چهار فرزندم دستگیر شده‌اند. صبح به‌دگاه انقلاب رفتم

خبرهای از شهرهای شمال

دختران بسیجی با سنگ به من حمله کردند. "این تحصن با شعارهایی مانند، "مرگ بر آمریکا، اتحاد، اتحاد علیه امپریالیسم، زندانی سیاسی میراث شاهنشاهی" ادامه داشت. مذاکرات ادامه داشت. مذاکرات با فرماندار برای آزادی دستگیرشدگان نتیجه‌ای نداد. پاسداران در ساعت ۳ بعد از ظهر با گاز اشک‌آور برای متفرق کردن مادران متحصن حمله ور شدند. ولی مادران به تحصن و اعتراض خود ادامه دادند.

روز پنج‌شنبه سیزدهم آذر دختران مبارز مدارس به جمع مادران ملحق شده و اعلام همبستگی کردند. در حدود ساعت ۱/۵ فالانژها و حزب الهی‌ها با چماق و چاقو و تحت حمایت سپاه پاسداران به متحصنین حمله کردند. درگیری به خیابانها کشیده شد. پاسداران بر شدت حملات خود افزودند. مردان و زنان را از خانه‌ها بیرون می‌کشیدند و کتک زنان با خود می‌بردند. رگبار سلاح‌های پاسداران قطع نمی‌شد، همه جا شعار "مرگ بر آمریکا - مرگ بر ارتجاع - اتحاد - اتحاد" طنین افکن بود. کارگر مبارزی بنام حسین سالاری در این روز با گلوله‌ی پاسداران سرمایه به خاک و خون غلطتید و شهید شد. جنگ و گریز تا شب ادامه داشت.

سحرگاه جمعه، خانواده‌ی کارگر شهید حسین سالاری موفق شدند جسد را بگیرند. اما ساعتی نگذشته بود که پاسداران مجدداً به خانواده کارگر شهید مراجعه کرد به خانواده شهید اول پیشنهاد چهل هزار تومان و بیشتر رشوه می‌کنند، اما هنگامی که با خشم و متاع خانواده حسین سالاری مواجه

شدند بزور سر نیزه‌ها و ۳ و در میان شیون وزاری خانواده، جسد را ربود و با خود بردند. این حرکت پاسداران خشم و تنفراهای را بیش از پیش برانگیخت. در سراسر کوچه‌ها و خیابانها، تجمعیهای افشاگرانه و پر شور توده‌های زحمتکش و جوانان انقلابی برپا بود.

روزیانزد هم، دانش‌آموزان مدارس، این سگرهای همیشه تپنده و فروزان مبارزات توده‌های نیزه‌حمایت از مبارزات نیروهای انقلابی و آزادی‌زندانان سیاسی، متحصن شدند. شانزدهم آذر که مصادف با سومین روز شهادت حسین سالاری بود، مردم متشکل و سهم پیوسته از چندین نقطه شهر با دادن شعار، بسوی مسجدی که در مراسم یادبود کارگر شهید در آنجا برگزار میشد راه پیمائی کردند.

درگیری در "خلیفه محله" آملش

روز چهارم هم آمد رد خلیفه محله آملش در پی حمله فالانژها به تعاونی هواداران مجاهدین خلق، درگیری روی داد. در این درگیری بر اثر تیراندازی پاسداران چند تن مجروح شدند. غروب همان روز مردم بعنوان اعتراض در برابر بیمارستانی که مجروحان در آن بستری بودند گرد آمدند. در اطلاعیه‌ای که هواداران سازمان مادر لاهیجان پیرامون این جریان انتشار داد، آمده است:

"در روز ۱۶/۹/۵۹ عده‌ای فالانژ به تعاونی هواداران مجاهدین خلق در آملش حمله بردند ولی با حمایت بیدریغ زحمتکشان منطقه از نیروهای انقلابی، مواجه شدند و وقتی خود را برابر اراده خلق ضعیف دیدند از ۳ بدستان یعنی پاسداران سرمایه کمک طلبیدند. پاسداران نیز آشکارترین وجهی ماهیت ضد خلقی خود را با تیراندازی به صفوف مردم بنمایش گذاشتند. این حادثه یک شهید بنام ارد شیرخانی و تعداد زیادی مجروح بجای گذاشت. عده زیادی از بقیه در صفحه ۶

پیروزباد مبارزات ضد امپریالیستی - مکرانیک خلقهای ایران

خبرهای از شهرهای شمال

بقیه از صفحه ۵

نیروهای مرفی و آگاه شهرنیزد ستگیر شدند *

هواداران سازمان در رود سرنیز در رابطه با وقایع "خلیفه محله" املش اطلاعیه ای انتشار داده اند که در آن ضمن محکوم کردن این فجایع، ماهیت ضد خلقی و سیاستهای سرکوبگرانه رژیم افشا و بر ملا شده است.

آستارا

در شهرستان آستارا نیز هجومی از نیروهای انقلابی از سوی فالانژها و پاسداران جریان داشت. هواداران سازمان در اطلاعیه خود که باین مناسبت انتشار داده اند نوشته اند: "در روزهای اخیر خیابانهای شهر شاهد وحشیانه ترین تعرضات و حملات به انقلابیون از سوی نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی است چنانکه در آستارا بعد از اخراج کارگران شرکت ساختمانی سینوس، یورش پاسداران به مدارس دخترانه صدیق رضائی و طالب قانسی، دستگیری یکی از دانش آموزان دبیرستان خدمات گل سرخی در خیابان هود ستگیری چند نفر دیگر بجرم کتابفروشی پرداختند و در مقابل افشاگری دستگیرشدگان، به شدت با مشت و لگد و قنداق تفنگ، به مضروب کردن آنها پرداختند و اعتراض مردم را نیز با فحش و کتک پاسخ گفتند *

لاهیجان

روز سه شنبه چهارم آذر، فالانژها و پاسداران اخراجی از لاهیجان طبق برنامه ای از پیش طرح ریزی شده، به ده ها و ساطی های هواداران نیروهای انقلابی در سیاهکل حمله بردند. آنها همچنین به مد رسد خترانه هجوم بردند و اطلاعیه ها و اعلامیه های افشاگرانه و انقلابی را پاره کردند *

توضیح و پوزش

در "کار" شماره ۸۳ - در قسمتی از اخبار مربوط به مناطق جنگ زده، با اشتباه واژه (عرب زبان) بکار رفته است. ضمن توضیح و پوزش از این اشتباه، متذکر می شویم که ما به حقانیت خلق عرب معتقدیم و به مبارزات این خلق هما ننددیگر خلقهای ایران، کرد و ترکمن و... ارجمی نهیم.

خبرهایی چند...

بقیه از صفحه ۳

میدهد آنوقت نه چیزی برای تویا قی می ماند و نه چیزی برای ما. همچنین در این کارخانه بخشنا مه ای از طرف وزارت دفاع در مورد تنبیهات و تشویقات آمده بود که مورد اعتراض کارگران و شورای آنها قرار میگیرد. آنها می گفتند: "این بخشنا مه با بخشنا مه های دوره طاغوت هیچ فرقی ندارد." و بالاخره در انتخاباتی که در آخر ماه آبان برای شورا صورت گرفت ترکیب عناصر ضد کارگری کمتر از قبل شده است.

شرکت ان.آی.سی.

(طرح توسعه تلفن تهران)

شورای انقلابی این شرکت که پیش از جنگ مدیریت و احداث بدست گرفته بود در برابر توطئه های شرکت مخابرات و دیگر دست اندرکاران تاب مقاومت نیاورده و از بین می رود. با آغاز جنگ و گذشتن حدود یک ماه از آن، مساله ایجاد دشوار مجددا در این شرکت مطرح میشود. کارگران قسمت کابل سازی با تلاشهای خود موفق میشوند شورای واقعی خود را ایجاد نمایند. مسئولین شرکت مخابرات که مخالف این مساله بوده و به هیچوجه نمی توانستند جلو آنرا بگیرند، به توطئه دیگری متوسل شدند. آنها تمام سرپرستان قسمت ها را جمع کرده و میگویند: "ما میخواهیم از اینجا برویم" شما باید اداره شرکت را بعهده بگیرید. آنها بدینوسیله قصد داشتند از طرفی سرپرست ها را به مبارزه مستقیم برای انحلال شورا بکشانند و از طرف دیگر اگر موفق

نشندند با هممدا کردن تعدادی از آنها با خود، شرکت را تعطیل کنند و کار را به اینجا بکشانند. بیا شورا یا تعطیل شرکت. کارگران شروع به اعتراض کردند. شورا نیز به مخالفت پرداخت.

جنگ افزار سازی

در تاریخ پنج آذر ماه شورا ای کارخانه جنگ افزار سازی کارگران را به یک جلسه فراخواند و در مورد طرح کشور شدن کارگران توضیحاتی داد. شورا اعلام داشت که مدیریت با این طرح موافقت نموده است. لازم به توضیح است که نمایندگان شورا که اغلب از اعضای انجمن اسلامی و طرفدار حزب جمهوری اسلامی هستند مدیریت که طرفدار لیبرالهاست در تضاد میباشند. کارگران در این جلسه به این امر اعتراض داشتند آنها اظهار میکردند چرا شورا قبلا کارگران را در این جریان قرار نداده است و اساسا چرا تصمیمی در مورد کارگران گرفته شده بدون آنکه از آنها نظرخواهی شود؟ کارگران مدیریت را برای جوابگوئی احضار کردند، لکن چون مدیریت کارخانه به آلمان مسافرت کرده بود، کسی برای جوابگوئی حاضر نشد. روز پنجشنبه ششم آذر ماه کارگران مبارز کارخانه های و دست به اعتصاب زدند. شورا و مدیریت به دست و پا افتادند و بالاخره مدیر عامل صنایع دفاع طی بخشنا مه ای مساله فوق را منتفی شده دانست. کارگران مبارز جنگ افزار سازی یکبار دیگر در عملیات واقعیت را تجربه کردند که تنها اتحاد آگاهان آنها قادر است در هر مبارزه ای کارگران مبارز جنگ افزار سازی را راهنمایی و پشتیبانی نماید. با ایجاد شورائی نمایند که از حقوق و منافع آنها دفاع کنند. (نقل از خبرنامه صنایع دفاع)

جنگ و تأثیر آن بر مبارزات

بقیه از صفحه ۷

کارخانه قند نیشابور

در این کارخانه، دو گروه کارگران دائم و موقت کار می کنند. کارگران دائم هرپا نژده روز یکبار حقوق خود را دریافت می کنند. مدیران کارخانه پس از گذشت ۱۲ روز از موعد مقرر حقوق کارگران موقت را نمی دهند. روز ۱۱/۸/۵۹ کارگران موقت در فاصله نیم ساعت استراحت دست از کار کشیده به دفتر کارخانه می روند آنها خواستار حقوق عقب افتاده خود می شوند. کارگران تهدید می کنند در صورت عدم پرداخت حقوق به سرکار نخواهیم رفت. مدیران کارخانه برای اینکه جریان به همه قسمتهای کارخانه سرایت نکند قول می دهند حقوق آنها فردا پرداخت شود. کارگران فردای همان روز موفق به دریافت حقوق عقب افتاده می گردند.

کارخانه ایران والونو

عدم پرداخت حقوق مهرماه و سوز و بیژنه، زمینه های اعتراض را در میان کارگران بوجود آورد. کارگران نزد کارفرما رفتند و قول داد که حقوق مهرماه را پرداخت کند ولی در مورد سوز و بیژنه گفت نمی دانم چه می شود! حقوق مهرماه در ۱۲ آبان پرداخت شد اما کارگران اعتراضشان در مورد سوز و بیژنه بالا گرفت یکی از کارگران در برخوردش به کارفرما می گفت "به بهانه کمک به جنگ غذای ما را قطع کردی، به بهانه کمک به جنگ شیر ما را قطع کردی حقوق ما را دیروز پرداختی، اضافه کار و اضافه تولید ما را قطع کردی همه اش به بهانه جنگ، حالا بگو خودت چه کمکی کردی!" کارگر دیگری گفت "نهار را که نمی دهید، سود که نمی دهید فقط می گوئید تولید بیشتر، انگار تمام کارگران را گروهی بگرفتارید."

جنگ و تأثیرات آن بر مبارزات کارگران

کارخانه چیت تهران (بافکار)

طرح طبقه بندی مشاغل یکی از مواردی است که کارگران خواهان اجرای آن شدند.

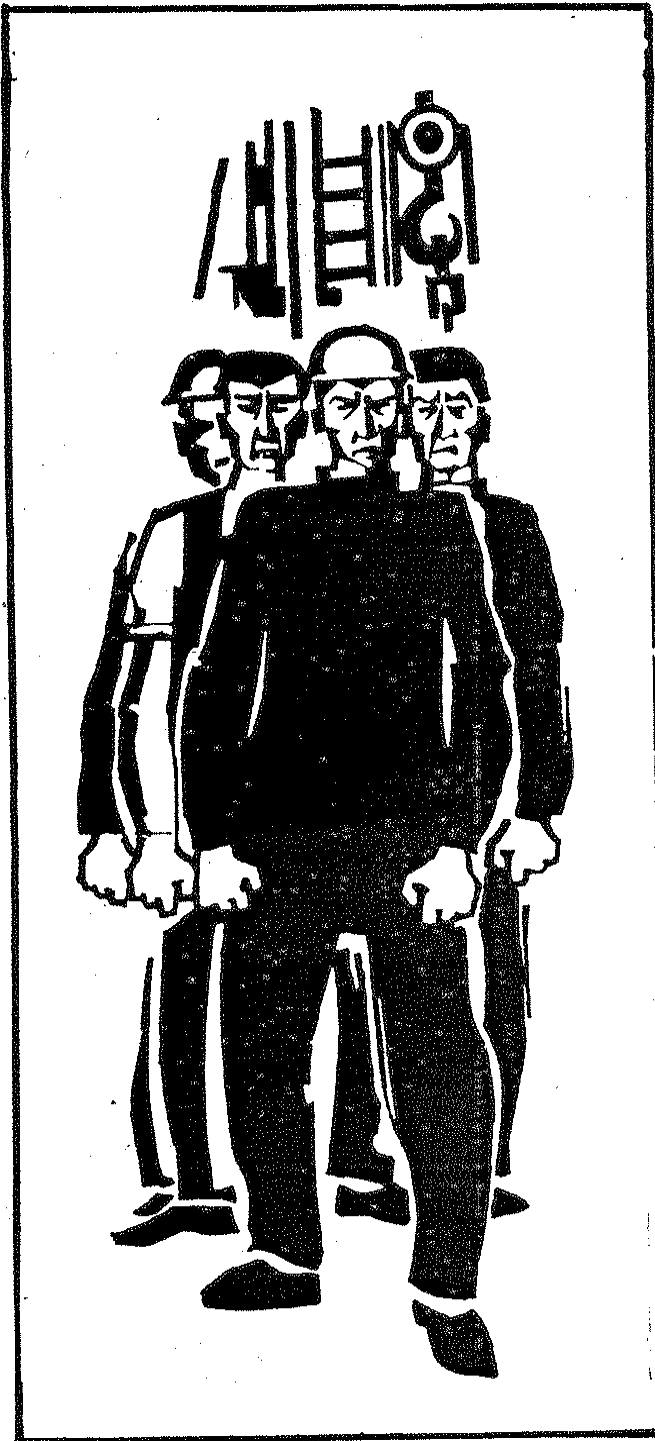
شورای کارخانه هیچگامی در این جهت برنداشته است. آقای عرب به اصطلاح نماینده کارگران!! در مجلس خبرگان دست در دست مدیرعامل تاکنون در تمام موارد در مقابل کارگران ایستاده و از منافع سرمایه داران دفاع کرده است. ۷۰۰ نفر از کارگران این کارخانه که مشمول بازنشستگی هستند ضمن اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی به دفتر مدیرعامل و شوراهای هوایی نگرفتند. در همان هفته تعدادی دیگر از کارگران نیز به دفتر رفتند و خواستار اجرای طرح طبقه بندی شدند و آن ماه به التفاوت از سال ۵۲ به بعد را مطالبه کردند. مدیرعامل دفتر را بسته و کارگران را پذیرفت. مبارزه کارگران در این موارد ادامه دارد.

کارخانه بایر

در این کارخانه تعداد کارگران زن زیاد است. دایر کردن مهدکودک یکی از خواسته های برحق کارگران و کارمندان زن می باشد. سندیکا در مقابل کارگران قرار گرفته و مدعی شده است که دایر کردن مهدکودک غیرقانونی است! کارگران و کارمندان زن ضمن اعتراض در سالن کارخانه نشسته خواهان ایجاد مهدکودک از مدیریت کارخانه شدند. اطلاعیه جدیدی در کارخانه در همان اثنای نصب شدمبنی برای اینکه بجای سود ویژه به کارگران دو ماهه حقوق بدون مزایای تعلق می گیرد کارگران یک قسمت ضمن اعتراض خواستار تنفیظ این قانون شدند یکی از کارگران می گفت "خوبه سربازها تو مرز می جنگند و کشته می شوند، سود ویژه ما تو جیب کارفرما می رود تا ما هم حرف می زنیم می گویند جنگ است!" کارگر دیگری می گفت "چرا همه قوانین در زمان جنگ بر علیه ما کارگران تصویب می شود یک قانون هم بر علیه سرمایه داران در این مدت وضع نشده است!"

بفیه در صفحه ۶

گرفت آنها برای بزانبودن آوردن کارگران در کارخانه را بسته و کارخانه را تعطیل اعلام می کنند کارگران خود مستقلا دست به اقدام زده و در کارخانه را بازمی کنند به این ترتیب توطئه آنها خنثی می گردد. سپس نماینده دادستان مجبوره عقب نشینی می شود و می پذیرد که کارخانه ۱۰ میلیون تومان سود داشته است ولی او پرداخت سود به کارگران را غیرقانونی می خواند. کارگران در قسمت حمل کارخانه دست از کار کشیدند اما کارگران با صحبت های نماینده مورد اعتماد خود دایر برای اینکه ابتدا بایستی شورای واقعی را تشکیل دهیم و سپس سود را بگیریم بسرکارشان برگشتند.



صادر کردند. اما هر روز که از این جنگ خانمان برانداز می گذرد. کارگران بیش از پیش به ما هیت جنگ پی می برند و در می یابند که جنگ تنها به سود سرمایه داران ایران و عراق و امپریالیستها است و هر روز که می گذرد تبلیغات هیئت حاکمه بی اثرتر گشته و رنگ می یابد. اکنون تمام مصائب ناشی از جنگ، بیکاری، گرانی و قوانین ضد کارگری و مالیاتهای جدید بردوش کارگران و سایر زحمتکشان سنگینی می کند در حالیکه پول تسلیحات به جیب سرمایه داران و امپریالیستها میرود و تجارت بزرگ با زاربا احتکار ما یحتاج مردم پول بیشتر می یابد به جیبهاشان سرازیر می کنند اما هیچگونه قوانینی بر علیه آنها وضع نمی شود چرا که دولت حامی منافع آنان است.

اکنون کارگران خود در تجربه روزمره در می یابند که جنگ به سود سرمایه داران و به زیان کارگران و زحمتکشان است. بهمین دلیل دیگر کمتر فریب سرمایه داران را می خورند. از او آخر مهله حرکت و مبارزات اقتصادی کارگران روبه گسترش نهاده است موج جدیدی از مبارزه آغاز گردیده و دیگر نمی توان به بهانه جنگ، حقوق اولیه کارگران را زیر پا نهاد. اعتراضات از شکل فردی و پراکنده به جمعی تبدیل می شود و از درون همین مبارزات است که نطفه های اعتراضات سیاسی کارگران علیه جنگ در حال تکوین است.

گزارشات زیر نمونه کوچکی از اعتراضات و مبارزات کارگران از او آخر مهله تا نیمه اول آبان ماه می باشد.

کارخانه ارج

بافکار یکی از نمایندگان مترقی کارگران در شورای اشرار اینک که تکلیف ۱۰ میلیون تومان بود چه شده است؟ نمایندگان ضد کارگرشورا همدست با مدیرعامل کارخانه منکر ۱۰ میلیون تومان سود می شوند آنها قبلاً به کارگران گفته بودند که کارخانه ۶۰-۵۰ میلیون تومان ضرر کرده است اعتراض کارگران نسبت به نمایندگان ضد کارگر و مدیرعامل بالا گرفت نماینده ای از سپاه پاسداران و دادستان انقلاب برای فرونشاندن اعتراض کارگران به کارخانه آمدند آنها هم منکر سود می شوند اما مبارزات کارگران اوج بیشتری

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی
دمکراتیک خلقهای ایران است

"کمیته مرکزی" دیروز محاکمه گروگانها! امروز تائید آزادی آنها! فردا...؟!

موکول به اجرائشدهن چهار رشـ...
پیشنهادی مجلس شورا توسط
امپریالیسم امریکادانست...
مینویسند:

هرکس که عقل سلیم و منطق و
مصالح انقلاب را ملاک قرار دهد خواه
یا فت که شرط محاکمه و آزادی گروگانها
هیچ چیزی خارج از چهار چوبه ۴ شرط
پیشنهادی امام خمینی نمیتواند باشد،
این شرایط نه تنها از موضع ضعف
نیست بلکه مشخصا "حاکمی از آنست که
جمهوری اسلامی ایران حاضر نیست به
فشارهای امپریالیسم امریکاتس
دهد".

البته کمیته مرکزی این نتایج
مشع را نه از روی ملاحظیات
اپورتونیستی! خود بلکه حتما از
روی واقعیات ملموس جا معه نتیجه
گرفته است!

با زهم خواننده ساد دل ممکن است
تصور کند که اگر چهار شرط پیشنهادی
توسط جمهوری اسلامی مورد قبول امریکا
واقع نشود، گروگانها قطعا محاکمه
خواهند شد و اگر نشوند این امر مورد
اعتراض کمیته مرکزی واقع خواهد شد.
ولی ما از پیش خیال این خواننده را
راحت کرده و با اطمینان میدهم که
اینبار نیز چنین انتظاری از
اپورتونیستها، انتظار بیجائی است و
بقول لنین:

"سیاست رویزیونیستی عبارتست
از تعیین روش خود از واقعهای تا واقعه
دیگر، تطبیق حاصل کردن با حوادث -
روز و با تغییرات وارده در جزئیات
سیاسی، فراموش کردن منافع اساسی
پرولتاریا و..."



بخوا هدبه خواست توده ها و به خواست
انقلاب توجه کند با ید از محاکمه
جاسوسان جنایتکار آمریکا و محاکمه
امپریالیسم آمریکا حمایت کند".

"ارگان سراسری" جنان از ضرورت
بی قید و شرط محاکمه جاسوسان سخن
میراند که خواننده ساد دل تصور میکند
که اگر گروگانها در آینه محاکمه نشوند
این مسئله مورد اعتراض و فشارگری این
"ارگان" قرار خواهد گرفت. ولی با
کمال تعجب در سرمقاله شماره ۸۳ مشاهده
میشود که اپورتونیستها ما که در عرض
دوماه جا افتاده تر گشته اند! بجای
اعتراض به عدول ر محاکمه گروگانها
و فشارگری نسبت به عقب نشینی
حاکمیت با تیر درشت مینویسد:

"علیرغم نارسائیها و ابهامات،
تصمیمات مجلس در باره گروگانها با
مصالح انقلاب انطباق دارد" (تاکید
ها از ماست)

واقعا مصالح انقلاب چیست؟ آیا
مصالح انقلاب با اجرای چهار شرط
مجلس شورا تا مین میشود؟ و یا بزعم
"کمیته مرکزی" رفع اختلاف بین
امپریالیسم آمریکا و برقراری مجدد
روابط خارج شدن از تحریم اقتصادی
با مصالح انقلاب انطباق دارد؟! مگر
دست اندرکاران حکومتی فتوا
نمیدانند که "ما رابطه با آمریکا را
میخواهیم چه کنیم" و اکنون چه شده که
برقراری روابط با امپریالیسم و
تقاضای رفع تحریم اقتصادی از

امپریالیستها با مصالح انقلاب
انطباق پیدا کرده است!

اپورتونیستها که پایه پای حکام
جمهوری اسلامی از مواضع خود عقب
نشینی میکنند این بار در شماره ۸۳
ارگان خود شرط محاکمه گروگانها را

هر روز که میگذرد دگمهای "کمیته
مرکزی" در جهت دوری از آرمان پرولتری
و نزدیکی به بورژوازی سائیده میشود
ولی از سایش دگمهای سران جمهوری
اسلامی که "کمیته مرکزی" در کار ۳۵ وعده
داده بود! نه فقط خبری نیست بلکه روز
بروز محکمتر نیز میگردد. واقعه سفارت آن
بستر مناسبی بود که اپورتونیسم "کمیته
مرکزی" بر آن آشکار شد و هر قدر که حقایق
روشنتر میشود و توهم توده ها میریزد،
اپورتونیسم هر اسناک دستاویزی تازه
می جوید تا چند صباحی بیشتر دوام یابد.
اپورتونیستها که در هر تندپیچ
تاریخی یکبار با مغز زمین میخورند
خشمگین از آنچه بر سرشان آمده، کورمال
کورمال جنگ می اندازند تا بندبازی را
از نو آغاز کنند.

اشتباه "کمیته مرکزی" در رابطه با
گروگانها آن بود که می پنداشت مدتها
میخواند بر دیوار سفارت تکیه زندا ما پی
نبرده بود که حرکت پرشتاب سیلاب
جامعه دیوار ترک خورده را فرو خواهد
ریخت و از پشت آن حقایق معلوم خواهد
گشت.

برای نمایاندن گوشه ای از سیاست
اپورتونیستها "کمیته مرکزی" مانع
هاشی از برخورد آنها به مسئله گروگانها
را از دو شماره "ارگان سراسری" که با
فاصله زمانی دوماه نوشته شده می آوریم:
"ارگان سراسری" در شماره ۷۶ در سر
مقاله اش تحت عنوان "باید جاسوسان
آمریکائی در پیشگاه خلق محاکمه شوند"
مینویسند: "تردید و ممانعت در محاکمه
گروگانها بدون شک به سود امپریالیسم و
به سود لیبرالها و دیگر محافل مورد
حمایت امپریالیسم است" (تاکیدها از
ماست) و در جای دیگر می نویسد:
"مجلس شورای اسلامی نیز از گ..."

آیت الله خمینی

نشیه از صفحه

میخوانند! بهتر است برای شناختن این
فردیه کتاب تاریخ و نشریات مراجعه
کنیم، درمی یابیم که "پزشک احمدی نه
پزشک بود و نه پزشک یا روتنها رابطه او با
عالم پزشکی این بود که او چندی در مشهد
به دار و فروشی اشتغال داشت و چون جانی
و آدمکش خوبی بود بسمت پزشک زندان
منصوب گردید"، وی از تمام لوازم و
اسباب طبیبی یک کیف کوچک داشت و یک
انزکسیون بزرگ و از لوازم زهد و تقوی
تسبیحی همیشه بدست و کتابچه کوچکی
در بغل که کتاب دعایش بود... با این
تعریف معلوم میشود که این جلاد رضا
خانی علاوه بر اینکه تخصص مورد دلخواه
جناب آقای بنی صدر را دارا بوده:

(چون تیمسار فلاحی و سایر امرای ارتش
و سایر اکیها که تخصص در سرکوب مردم و
ضدیت با انقلابیون دارند و مورد حمایت
بنی صدر و سایر لیبرالها هستند) و تقوی
و مکتبی بودن مورد نظر جناح حزب جمهوری
اسلامی و حامیانش را! (از نظر تظاهر
به تقوی و سرسپردگی بمنافع سرمایه داران)

در آن به نبرد پرداختند. دانشگاه همان
سنگری است که فرزندان دلیر خلق مبارزات
کوبنده خود را علیه رژیم شاه مزدور و
امپریالیسم از آنجا آغاز کردند. آیت
الله خمینی این مساله را تازه دریافته
و به بنی صدر و سایر لیبرالها هشدار می
دهد که شماها شمسیاسی ندارید، غافل از
اینکه بنی صدر سال گذشته شعار تعطیل
دفا ترسیاسی دانشجویان در دانشگاه را
میداد و در همان تاریخ این شمسیاسی
را بکار بستند و تحکیم قدرت دولت را بر
روی خون تازه ریخته شده شهدای دانشگاه
جشن گرفته بود!

آیت الله خمینی در قسمت دیگر
سخنرانی خود میگوید "آیا حمدی زمان رضا
خان که بسیاری از رجال این مملکت را
او با آمپوش کشت آنهم از دانشگاهها
تخصص هم داشت" او برای اینکه جریانات
انقلابی دانشگاه را تخطئه کند به هر
خاطره و داستانی که شنیده است (چه
راست چه دروغ) دست می یازد. او پزشک
احمدی جلاد رضا خان که عامل قتلدهها
کمونیست و انقلابی (نه بقول آیت الله
"رجال") در زندانهای رضا خان بوده است
را بهنگ متخصص تحصیل کرده در دانشگاهها

لیکن آیت الله خمینی و بنی صدر هر دو
از یک چیز میترسند و آن این است که در
این جوانقلابی دانشگاه سنگردفاع از
زحمتکشان است و بهترین توصیف را -
آیت الله خمینی از موقعیت دانشجویان
انقلابی (علیرغم خواست خود) داد:

آری دانشگاه خطری بالاتر از خطر بمب
خوشه ای علیه امپریالیسم و پایگاه
داخلیش دارد. بالاتر از صدها بمب خوشه ای
آن آگاهی است که کمونیستها و سایر
انقلابیون تاکنون بمیان توده ها
برده اند. جناح حزب جمهوری اسلامی و
حامیان آن، یک چیز را نمی دانستند و آن
این بود که با بسته ماندن در دانشگاه
نمیتوان جلوانفجار این بمب را گرفت
لیکن لیبرالها میخواستند این بمب را
در دانشگاه نگهدارند ولی با تخصصی که
داشتند آنرا خنثی کنند، آنها میخواستند
دانشجویان دولتی دفا تر دانشجوئی نباشد
آنها اتاق کوهنوری را و هر مرکز تجمع
انقلابی را میخواستند از دانشجویان
بگیرند و در عوض دانشجویان را هم در
کلاسهای در بسته به درس خواندن مشغول
نمایند تا بمیان توده ها نروند. اکنون
بقیه در صفحه ۹



ادامه وابستگی، به بهانه حل بحران بیکاری

در شماره های ۴۲۷ و ۴۲۸ روزنامه جمهوری اسلامی تعداد بیکاران آشکار را ۵۰۰ هزار نفر اعلام می‌دارد، او که ضمن این مصاحبه ناآگاهی کامل خود را از ابعاد مسئله نشان می‌دهد، برای حل مسئله دوراه حل عمده ارائه می‌کند: "مقداری از این مشکل به وسیله راه حل طرحهایی که به شکل تعاونیها... حل گردیده است... (اما راه اساسی مسئله) به تحرک در آوردن و بسط تعاونیهاست که اگر خوب اقدام شود می‌تواند زمینه برچیدن بساط سرمایه‌داری بزرگ شود... و راه دیگر برآوردن آنداختن کارخانجات و کارگاهها و زمینهای اراکند است... (باید) این کارخانجات متوقف مانده را بگیرند و با فرستادن مدیران را به حرکت در آورند."

در مورد راه حل اول، یعنی ایجاد شرکتهای تعاونی به وسیله بیکاران تحصیلکرده علاوه بر جنبه‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی مسئله که قبلاً در نشریه‌ها متذکر شدیم، کافی است بگوئیم که این راه حل عملاً "وتاکنون" به اذعان منابع رسمی فقط برای ۲۰ هزار نفر کار ایجاد کرده است و این راه حل اعجاز آمیز اثرات خود را آشکار کرده! می‌ماند راه حل دوم که عبارتست از به کار انداختن صنایع متوقف شده موجود. به یاد داریم که علیرضای اسپهبدی وزیر سابق کار در دولت تشکیل شده توسط شورای انقلاب سابق، در پاسخ این که برای حل مسئله وابستگی چه خواهد کرد با صراحت خاص لیبرالها می‌گفت مسئله ما مسئله بیکاری است و تا این حل نشود نمی‌توان برای وابستگی فکری کرد. او خیال هم‌هرا راحت کرده بود و اکنون وزیر غیر...

حتی سیاستمدارانی که می‌گفتند فقط به اسلام می‌اندیشند و به اقتصاد کاری ندارند، زیر فشار ابعاد مختلف بحران اقتصادی - اجتماعی مجبورند از برج عاج مکتب‌گرائی پائین بیایند و راه حل‌هایی برای مسائل بحرانی جامعه ارائه دهند. بیکاری از این جمله مسائل است و رجائی، نخست وزیر رژیم جمهوری اسلامی درباره آن می‌گوید که "بیکاری آتش زیر خاکستر است!" وی در سخنرانی در جمع استانداران کشور شناخت خویش از ابعاد مسئله را نشان داد. وی بیش از همه چیز به این می‌اندیشد که مبادا بیکاران به راهپیمایی دست بزنند و برای دولت گرفتاری بوجود آید "ومی‌گوید" باید قبل از آنکه (مسئله) به صورت راهپیمایی عرض وجود کند و حالت‌های دیگری (!؟) را پیدا کند برای آنها (بیکاران) راه‌حلهای مناسبی ارائه شود. وی به جای آن که هر بیکار را - نماینده یک خانواده گرسنه به حساب آورد که جامعه باید برایش کار فراهم سازد، بیکاران را مخل و مزاحم حیات سیاسی رژیم جمهوری اسلامی می‌شناسد. دست کم رجائی واقع بین تر از اسلاف خویش است (زیرا آنها وجود بیکاری را انکار می‌کردند) و "مسئله" را تشخیص می‌دهد. اما جالب تر از "تشخیص"، در عین آن است به نظر او بیکاری را که ریشه‌های عمیق در بحران مزممن جامعه دارند پنهان کرد: "باید (بیکاران) در کارگاهها و کارخانجات تحت آموزشهای حرفه‌ای قرار گیرند و برای این مدت به آنها دستمزد پرداخت کرد پس آنها را به بازار کار فرستاد." به عبارت دیگر برای حل بیکاری از بحران سیاسی ناشی از بیکاری باید دست بیکاران را موقتاً به جایی بند کرد، سپس... آنها را به کدام بازار کار فرستاد؟ آیا دولت مکتبی نقشه‌ای برای اسناد کار دارد؟ به نظر می‌رسد آقای رجائی فکر می‌کند مشکل بیکاران در این است که آموزش حرفه‌ای ندارند و به این جهت جذب بازار کار نمی‌شوند! اما "راه حل" های قدرتمندان برای مسئله بیکاری محدود به همین نیست. وزیر کار که با تخصص قهر نیست، به کمک یک دکتر متخصص امورا اشتغال (!!) راه حل‌هایی ارائه می‌کند که بخوبی ما هیئت مکتب آفایان را فاش می‌کند. محمد میر محمد صادقی، در مصاحبه مطبوعاتی مندرج

لیبرال و مکتبی همان پاسخ را تکرار می‌کند: "تلاش خواهیم کرد تا کارخانجات متوقف شده را فعال کنیم" و اساساً صحبتی از وابستگی این صنایع به میان نمی‌آید. گویا اشکال آن موسسات و کارخانجات فقط هویت "طاعتی" مالکان آنها بودند و وابستگی و روابط تولید... او حتی به خود زحمت نمی‌دهد مانند لیبرالهای روزنامه‌کیهان از تغییر خط تولید صحبت کند. نه، مسئله او، حداکثر، جایگاه کردن فراد است و نه تغییرات مناسبات سرمایه‌داری وابسته که آن "افراد" وابسته ایجاد کرده‌اند و این حکومت در پی تحکیم و محافظت از آنهاست. (برای رفع هرگونه شبهه در مشابهت‌های اقتصادی این حکومت مکتبی و آن حکومت لیبرال به این تکه از سخنان وزیر کار توجه کنید: "مشخص نبودن مسئله مالکیت (بهر کارخانجات...) برای ما تولید اشکال کرده است ما امید داریم که مجلس شورای اسلامی زودتر به این مسئله رسیدگی نماید." به یاد داریم که لیبرالها هم همیشه از همین شخص نبودن حرمت مالکیت می‌نالیدند!

به موضوع بیکاری بازگردیم و راه حل‌های داهیانه وزیر کار مکتبی دولت عدلیبرال ایشان هم مانند مسئولان پیشین و کنونی چیز دیگری جز ادا مسئله وابستگی به عقلش نمی‌رسد و شدت بیکاری (که به مراتب بیشتر از ۵۰۰ هزار نفر است، ولی نه مکتب‌اجازه افشای آن را می‌دهد و نه تخصص!) بهتر از بهانه است برای از یاد بردن مسئله وابستگی. شاید وزیر کار ساده لوح تر از آن باشد که ما گمان می‌کنیم، زیرا در مورد ادا مسئله فعالیت همان کارخانجات متوقف شده هم، به نظر او مشکل، فقط در پیدا کردن مدیری دلسوز است، او گویا او از انبوه مشکلاتی که بر دوش این کارخانجات وابسته وجود دارد، بکلی بیخبر است و یا خود را به نفهمی می‌زند. از اینها گذشته گویا بگمان ایشان زمانی که آن موسسات مشغول کار بودند، یعنی در دوره رژیم مسزور شاه، بیکاری به انواع مختلف آشکار و پنهان خود وجود نداشت.

به هر حال، نیت وزیر کار هر چه باشد، حاصل عمل روشن است: حفظ و تشدید وابستگی، منتهی به بهانه حل مسئله بیکاری!

از وضعی که در مدارس با آن روبروست نخواهد داشت. زحمتکشان میهن ما بعد از شنیدن دو سال لاف و گداز حاکمیت سرمایه‌داران هر روز به فحاشی و فقر بیشتری روبرو گردیده‌اند و دسته دسته به ما هیئت ضد خلقی هر دو جناح اصلی حاکمیت آگاهی یافته‌اند. روز بروز بیشتر به صداقت کمونیست‌ها و درستی راهشان معتقد خواهند شد. آنها درمی‌یابند که تنها حکومتی قادر است که به مشکلات مردم پاسخ گوید و شعرا را استقلال، کار، مسکن، آزادی را تحقق بخشد، صلح و رفاه را به میان جامعه بیاورد که از میان نرفته‌ها و شورا‌های آنها جوشیده باشد. حکومتی که نه تنها به تحقیر دستاوردهای جنبش دانشجویی نپردازد، بلکه از تجارب آن استفاده کرده و در مقابل آنرا عمق و توان بیشتری بخشد.

با زکند، حاکمیت برخلاف ادعای آیت الله خمینی از این نمی‌ترسد که دانشگاه امثال شریف‌آما می بیرون بدهد، چون دهها نمونه از شریف‌آما می‌ها را ما نتند قطب زاده، یزدی، چمران، صادق طباطبائی، فخرالدین حجازی و... در خدمت دارد، و از پرورش کمونیست‌ها و دیگر انقلابیون در دامن دانشگاه می‌ترسد. او دانشجویانی می‌خواهد که برده‌وار آنچه را سرمایه‌داری با و حقنه می‌کند بگوش بگیرد و پس از پایان تحصیل کمربند نوکی سرمایه‌داران ببندد (همان کاری که شریف‌آما می‌ها کردند)، در سیاست جز به حمایت از حاکمیت وارد نشود و خلاصه‌ای "متخصص" از دید جناح بنی صدر و شرکا ویا "مکتبی و متعهد" از نظر حزب جمهوری اسلامی و حامیانش باشد. لیکن در بازگشائی دانشگاه‌ها حاکمیت موقعیت و موفقیتی بهتر و بیشتر

آیت الله خمینی

بفیه از صفحه ۸

هم وقتی لیبرالها صحبت از بازگشائی دانشگاه‌ها می‌کنند در نهایت دانشگاههای کنترل شده زمان شاه را در نظر دارند. دانشگاهی که هرگونه شکل دمکراتیک و سیاسی در آن موقوف شود و جدا از مسائل توده‌ها و ناتوان از تماس با آنها باشد. بگذار جناح‌های مختلف حاکمیت به یکدیگر درس سیاست بدهند! اما دیگر هیچ سیاستی (نه تخصص طلبی و تظا هر بیسته آزادخواهی این و نه انحصارگرایی مکتبی بودن آن) قادر نخواهد بود جلومسیر تاریخ را سد کند. حاکمیت ناچار است که دانشگاهها را

درباره تبلیغ و نقش آن

هوا انحراف در تبلیغ گامی بسوی جدائی از توده ها

درباره رابطه تبلیغ، علاوه بر چند انحراف مشخص که در ضمن مقاله بدانها اشاره شد از جمله عدم انتخاب زبان درست، حاشیه پردازی، کلی گویی، نگرفتن مچ مجرم در همان ناساعت و در نتیجه کم شدن برد تبلیغ در اثر تاخیر، عدم تاکید بر یک ایده و بیابان ایده های متعدد و... دوا انحراف عمده دیگر نیز دیده می شود.

عده ای از نیروهای سیاسی و گروهی از رفقای هوادار چنین تصور می کنند که کمونیستها فقط فقط باید در رابطه با کارگران تبلیغ بپردازند. گاهی چنین تصویری آشکارا بیان نمی شود ولی در عمل به آن می پردازند. "تب کارگر زدگی" که ریشه در اکونومیسم دارد بسیاری از نیروها را در بسیاری موارد از جنبش و از توده ها جدا نموده و بسوی سکتاریسم کشانده است. همواره باید در نظر داشت که مبارزه دمکراتیک یکی از وجوه مبارزاتی کمونیستهاست و همواره نیز باید بدین طرز داشت که کارگران به تنهایی قادر نیستند انقلاب را به پیروزی برسانند و در این رابطه است که باید نیروی مشخصی را در رابطه با بسیج متحدان این طبقه بکار گرفت. این رفقا درک درستی از رابطه تنگاتنگ بین فعالیت سوسیالیستی و فعالیت دمکراتیک ندارند. لنین در این مورد می گوید:

"ما به نزدیکی تفکیک ناپذیر ترویج و تبلیغ سوسیالیستی و دمکراتیک و به موازی بودن کامل کار انقلابی در این ویا آن رشته اشاه کردیم. (لنین - وظایف سوسیالدمکراتهای روس) و همچنین برای این مساله تاکید دارد که "به پرسش چه باید کرد تا بسوی کارگران دانش سیاسی داده شود، نمیتوان فقط این پاسخ را داد که "باید به میان کارگران رفت" پاسخی که پرا تیسینها بی که متمایل به اکونومیسم هستند در اکثر موارد به آن اکتفا نمایند.

برای اینکه به کارگران دانش سیاسی داده شود سوسیالدمکراتها باید به میان کلیه طبقات آنها بروند و باید دستجات ارتش خود

را به تمام اطراف روانه سازند. (لنین - چه باید کرد؟ - تاکید از ما است) از این نظر است که باید بر گرایشات انحرافی که به فعالیت مشخص در میان زحمتکشان شهری واقفان مختلف خرده بورژوازی کم بها میدهد و یا تبلیغ در میان زنان، دانش آموزان، معلمان، کارمندان و بسیج آنان را نه بعنوان وظیفه اصلی بلکه بشکل فعالیت "کاملاً جنبی" (و حتی خرده کاری) تلقی می کند غالب شد.

از سوی دیگر نیز باید دانست که کمونیستها در عین اینکه همواره تمام مبارزات را در جهت تدارک انقلاب قهرآمیز و برای آماده سازی پرولتاریا و متحدانش برای برانداختن بورژوازی بکار می گیرند اما این مساله ای است کلی و استراتژیک و هیچگاه به این معنی نیست که مبارزات طبقه کارگر و توده های خلق برای خواسته های جزئی و فوری باید دیده، تحقیر نگریسته شود و به بهانه اینکه ما در راه تدارک انقلاب نهایی هستیم با این مبارزات برخوردی غیر فعال صورت گیرد.

با بکارگیری صحیح و اصولی تبلیغ، همین مبارزات را نیز میتوان به آن "برجسته ترین مثالی" بدل کرد که همه شونندگان بخوبی بدان آگاهند و آنگاه به طرح "یک ایده" مشخص مثلاً فضای ماهیت سرکوبگری و راه های نظامی - پرداخت. مثلاً هنگامی که در روستایی اسفالت جاده، روستا و یا تهیه حمام بهداشتی برای ده جزو خواسته های الهی قرار دارد، رفقا نباید بی توجهی و تحت عنوان "کم اهمیت بودن" از کنار این مسائل بگذرند، بلکه باید با سازماندهی حرکات اعتراضی در این رابطه، مثلاً شکل دهی تظاهرات در جلوی فرمانداری و یا انتخاب نمایندگان برای اعمال فشار بر دولت برای تهیه این تسهیلات را بعهده بگیرند و در این مسیر در عین افشای هر حرکت ضد مردمی دولت و ارگانهای دولتی، لزوم و فواید تشکیل و یکپارچگی را در عمل برای روستائیان روشن کنند. برای یک کمونیست اشتباه بزرگی خواهد بود که خواسته های فعلی کارگران را که بخاطر بهبودی جزئی در شرایط کارشان مطرح می شود یا دیده، تحقیر نگردد و یا یک برخورد غیر فعال (پاسیو) به این مبارزات به بهانه برنامه کمونیستی و اینکه هدف نهایی محتاج یک مبارزه - انقلابی مسلحانه است، داشته باشند. خواسته های کارگران که آنها امروز بخاطر آن حاضرند با سرمایه دار بجنگند، هر قدر هم کوچک و محجوبانه باشد، نباید کمونیستها کوچک بودن آنها را بهانه ای برای عدم شرکت خود در مبارزه قرار دهند" (کمینترن - اصول تشکیلات حزب)

حتی شرکت فعال در حرکات خود نکلیخته مردم در قبال فشارهای روزمره زندگی میتواند این حرکات خود جوش را بدل به صحنه ای از افشاگری و تبلیغ سازمان یافته نماید. بعنوان نمونه در پمپ بنزین که مخصوص موتور سیکلتها بوده برای تعطیل زودتر از موعد مقررها موتور سوار که عمدتاً از کارگران و زحمتکشان بوده اند دست به حرکات اعتراضی همراه با اشغال

پمپ بنزین میزنند. در این حالت رفقای که در محل حضور داشته اند باید بدست گیری ابتکار عمل (بوسیله صحبت کردن با مردم، روشن کردن علل این فشارها و کمبودها و طرح این مساله که کسانی که پول دارند از این نظر هم راحتند و بنزین قاچاق تهیه می کنند و اینکه مصائب و فشارها ناشی از جنگ از جمله کمبود بنزین بیشترین فشارش بر دوش کارگران و زحمتکشان است) میتواند بخوبی تبلیغ شفا را به پیش برند.

● هنگامیکه حتی رفرم بسیار رنگ پریده ارضی، مصوبه حاکمیت نیز در عمل با مخالفت "آیات عظام" مواجه می شود وظیفه ما است که ارتباط این مسئله را با ماهیت بورژوازی رفرم های هیئت حاکمه برای کشاورزان توضیح دهیم

تبلیغ شفاهی را سازمان دهیم

همانگونه که لنین تاکید دارد "عمل عمده تبلیغ سخنان شفاهاست" (چه باید کرد؟) این مساله بخصوص در شرایط جامعه ما بعلاوه با بین بودن سطح آگاهی سیاسی توده ها، بعلاوه سالیان دراز اختناق و خفقان و همچنین میزان بساطت بیسوادی، وجود تعدد دلجه ها و زبانها و در جوار آن کمبود وسیع کتب و نشریات به این زبانها و... بسیار عمده می شود. مسلماً در هر تجربه روزمره این مساله برای ما می رفقا بیش از پیش روشن می گردد که تبلیغ شفاهی در بین توده ها از برد بسیار وسیعی برخوردار است. در عین حال که حاکم بودن جوسیاسی در میان توده ها و در نتیجه عدم قدرت حاکمیت در برقراری خفقان و سرکوب مورد نظر، محیط مساعدی را برای تبلیغ شفاهی ایجاد نموده است. در تمام عرصه های جامعه هر روز شاهد توجواها، بگومگوها و فریادهای اعتراضی توده ها ایم که خشم فروخورده خود را به شیوه های مختلف بیان می کنند. هر صفت نان، گوشت و ارزاق عمومی مکانی است برای بحث و گفتگو و نطفه بستن اعتراضات، پای هر شرفشاری مکانی است برای نقل دردها و مزارت های زندگی سخت و کشنده زحمتکشان، هر توبوس کانونی است برای بیان اعتراضات توده ها به وضع موجود و خلاصه هر مکان تجمع، هر کجا که توده ها حضور دارند مکانی است برای فعالیت تبلیغ انقلابی، مکانی است برای تبلیغ شفاهی. مثلاً در صف اتوبوس آنگاه که مردم از دیر آمدن اتوبوس و از فرط سرما شروع به اعتراض مینمایند یک رفیق هوادار میتواند با برخورد دقیق و حساب شده بحث را بخوبی جهت داده با طرح نابرابریهای موجود (که عده ای حتی در این شرایط هم راحتند برای ماشینهای لوکس و آخرین سیستم و بخاری دار خود بنزین بدست می آورند، دولت مردان همگی برینزهای آخرین مدل سوارند و با چندین ماشین اسکورت مقا دیر زیادی بنزین برای رفت و آمد بقیه در صفحه ۱۱

بیا ورید در ساعت مشخص در محیطی شلوغ و پررفت و آمد ناگهان ۲۰، ۳۰ یا ۵۰ نفر (این تعداد بر حسب محیط کار متغیر است) با در دست داشتن چتر مقوای نوشته به شعار دادن می پردازند پس از چند دقیقه با بیان یک سخنرانی کوتاه و نصب مقواها به دیوار و درخت دیگر اثری از آنان دیده نمی شود و آنگاه است که توده ها با طرح نوین در دست و دستگاها سرکوب مات و منگ بر جای می مانند.

درباره تبلیغ و نقش آن

پیدا کنند، از سوی دیگر بعثت وجود جریانات انحرافی متعدد، رفقا باید در حد لزوم و کفایت بر مواضع سایر سازمانها و گروهها نیز احاطه کافی داشته باشند تا بتوانند سموم پورتونیم را از اذهان توده ها پاک نمایند. مسلم است که تبلیغ شفاهی نیز چون سایر وجوه تبلیغ برگرد محور ارگان سازمان شکل می گیرد. رفقا باید ایده های طرح شده در ارگان را به میان توده ها ببرند، آنرا با مسائل روزمره مردم بیا میزنند و بزبان توده ها بیان کنند.

تبلیغی همه جانبه را سازمان دهیم

مسلم است که طرح مساله تبلیغ شفاهی و عمده بودن آن (بعثت شرایط خاص موجود) بمعنی عدم توجه به سایر وجوه تبلیغ نیست. باید تبلیغی همه جانبه را سازمان داد و در این راه از تمامی شیوه های متنوع تبلیغ در رابطه با تحلیل مشخص از شرایط مشخص سود برد. شعار نویسی را باید سازمان داد. درود یوار شهرها را باید از شعارها و ایده های انقلابی پر کرد، در این راه باید تمامی ابتکارات و خلاقیت های خود را بکار گیریم تا بتوانیم به روش همه جانبه دیوار رنگ کن در شعار نویسی - های حرفه ای حزب جمهوری اسلامی و ضامم آن فائق آئیم. شعار نویسی باید علاوه بر محتوایی انقلابی دارای شکلوظا هری جلب کننده باشد. در این رابطه انتخاب مکان مناسب که در دید کامل و در مسیر عبور و مرور یا محل تجمع توده ها باشد بسیار اهمیت دارد تهیه تراکت و اعلامیه و توزیع وسیع آنها شکل دیگری از وظایف انقلابیست نباید وسایل ساده ولی کار آمدی چون کاغذکاربن - چهارچوب دستی تکثیر - چاپ ژلاتینی و سایر روشهای مفید و کار آزا بفراموشی سپرد. در توزیع اعلامیه و تراکت به چساندن آن بر دیوارها و سرگذرها و محلهای تجمع و عبور و مرور نیز باید توجه داشت در شهرهای بزرگ - در رابطه با مسائل عمده ای که دا منگیر توده ها است - میتوان تظاهرات موضعی را سازمان داد. و در نظر

بقیه از صفحه ۱۰ خود هد می دهند و آنگاه توده های مردم در سوز و سرما مدت های مدید را با دیدن انتظار را تبوس با یستند) تمام می خشم و کینه مردم را بسوی آنچنان نظم می که بر چنین نابرابریها بی صحنه می نهد معطوف نماید.

در این شرایط ضعف شدید جنبش از این نظر کاملاً مشهود است. عدم وجود مبلغین زبردست و سازمان یافته از یکسو و از سوی دیگر عدم آگاهی و توجه هواداران به اهمیت این وجوه از تبلیغ، این ضعف را بشکل مرضی مزمن در آورده است. اکثر رفقا به مساله تبلیغ شفاهی بشکل یک وظیفه انقلابی و یک فعالیت ضروری نگاه نمی کنند. اکثر رفقا به تبلیغ شفاهی، بحث و صحبت برای توده ها در حد یک فعالیت جنبی و تفننی برخورد می کنند. اکثر ایده های موجود که حتی بحث های محفلی و روشنفکری به شرکت در کانون های اجتماع مردم و تبلیغ شفاهی ترجیح داده می شود. و مشخص است که با وجود چنین دیدی که بر جنبش حاکم است موارد معدودی از تبلیغ شفاهی سازمان یافته و تیم های تبلیغ دیده می شود. رفقا باید بدانند که اینک بیش از هر زمان دیگر تبلیغ شفاهی عمده و ضروری است. اینک پرورش مبلغ به عنوان یکی از وظایف مبرم جنبش در دستور روز قرار دارد و بر هر رفیق هواداری است که سازماندهی تبلیغ توده ای و بخصوص شکل دادن - تبلیغ شفاهی سازمان یافته را در دستور کار خود و سایر رفقا پیش قرار دهد.

تبلیغ شفاهی در میان توده ها - آنطور که برخی از رفقا تصور میکنند آنچنان که رساله ای نیست که احتیاج به هیچگونه تعلیم و آموزش خاص و تجربه و تمرینی نداشته باشد. یک مبلغ خوب - مبلغی که بتواند ایده های مشخص را برای توده ها طرح نماید، مبلغی که بتواند توده ها را به شور و شوق و حرکت وادارد، مبلغی که بتواند مواضع و ایده های سازمان را با موفقیت به میان توده ها ببرد - باید دارای مشخصات و ویژگی خاصی باشد. یک مبلغ باید به فن بیان آشنا باشد تا بتواند بتواند بتواند بتواند نظرش را به توده ها القاء نماید. در این مورد آشنایی با زبان توده ها، دانستن بیان گرم و قدرت تهییج بسیار موثر است. یک مبلغ باید بشکل کامل با مسائل و فرهنگ توده ها آشنا باشد. و این میسر نیست بجز از طریق زندگی در میان توده ها. بکارگیری لهجه خاص محل برای یک مبلغ با دیدر مواضع سازمان تسلط کامل داشته باشد، جبران تبلیغ ناقص مواضع و یا احیاناً سیاستهای انحرافی خود انرژی بسیاری را به هدر خواهد داد. در این رابطه تمام می رفقا باید همه نوشته ها و آثار سازمانی را بدقت هر چه تمام مطالعه نموده تا بحث و شکافتن آن به کمک سایر رفقا تسلط کاملی بر مواضع سازمان

باید با فعالیتی پیگیر در مورد یک یک نموده ای مشخص روابط ظالمانه سرمایه داری وابسته چه در زمینه اقتصادی و چه در مورد سیستم سیاسی تبلیغ وسیع پرداخت، زیرا توده ها فقط در تجربه عملی خود است که به ماهیت واقعی بورژوازی پی می برند و صحت گفتار کمونیست ها را درمی یابند باید تمام می کوشش خود را بکار گیریم تا اشخاصی که فقط از مشکلات روزمره خود، از وضع ادارات، فشار روزمره افزون زندگی، گراسی، صف و ... ناراضی هستند به ارتباط مستقیم تمامی این مشکلات و مصائب با کتل سیستم سرمایه داری وابسته واقف شوند.

همچنین رفقا باید تمام می کوشش خود را در تهیه اعلامیه، بیانیه، مقالات و نوشته ها یکا ز سازمانها و مقالاتی بزبان ساده در توفیق مسائل روز و ... به زبانهای محلی و لهجه های موجود در محیط خود بنمایند. کمیسیون اینگونه آثار را باید کوشش همه جانبه و در تمام سطوح جبران گردد. بسا حداقل امکانات نیز میتوان تظاهرات آموزشی به زبانهای محلی در مدارس دیدا بینوارها به همراه سرودهای انقلابی در میان توده ها برد و سعی دارد. حتی در محله های بی از تهران که همسپهان ترک زبان ماسکونت دارند تظاهرات انقلابی و سرودهای بزبان ترکی از فروش استقبال بسیار چشمگیری برخوردار بوده است. مشخص است که برخورد اصولی بسا مساله تبلیغ از سوی رفقای هوادار فقط در کار جمعی میتواندمتبلور گردد در رابطه با سازماندهی هسته، وظایف درونی و بیرونی هسته، شیوه های مطالعه رعایت اصول مخفی کاری و ... قبل از در لزوم توضیح داده شده و بعدها نیز در این مورد صحبت خواهیم کرد.

پس دست بکار شویم. رفقا! اوقات گرانبه را تلف نکنیم! در مقابل سوسیالدمکراتهای روس برای برآوردن احتیاجات پرولتاریا که از خواب بیدار می شوند. برای متشکل کردن جنبش کارگری برای تقویت گروههای انقلابی و ارتباط متقابل آنها، برای تأمین کارگران از لحاظ مطبوعات ترویجی

بقیه در صفحه ۱۲

سود ویژه که قسمتی از دستمزدها کارگران است پرداخت باید کرده

درباره تبلیغ و...

بقیه از صفحه ۱۱

وتبلیغاتی و برای جمع کردن محافل کارگری و گروههای سوسیال دمکرات که در اطراف واکتاف روسیه پراکنده اند در یک حزب کارگری سوسیال دمکرات یک دنیا کار وجود دارد!

(لنین - وظایف سوسیال دمکراتهای روس) در مورد تبلیغ و سازماندهی آن رفقا میتوان گفت زیرمطالعه کنند.

وظایف سوسیال دمکراتهای روس لنین مجموعه مقالات نامه به یکر فیک در مورد وظایف سازماندهی لنین گرایش قهقرا بی در سوسیال دمکراسی روسیه لنین

درباره مرامنامه

از چه باید آغاز کرد؟

لنین

چه باید کرد؟

لنین

لنین

مقاله هسته های سرخ مندرجه در "کار" بخصوص قسمت وظایف هسته .

هسته های مطالعاتی (در مورد سازماندهی هسته) هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

علیه سبک الگوسازی در حزب ما نوشته دون (این کتاب با وجود انحرافات موجود در مورد شیوه تبلیغ ایده های مناسبی دارد)

یک تراکت خوب یک تراکت بد اصول تشکیلات حزب

سازمان پیکار

کمیته

فدائیان خلق چه میگویند

بقیه از صفحه ۱۴

فدائیان خلق میگویند: سیستم داری و نظامی موجود با ایداز اساس دگرگون شود و سیستمی خلقی منطبق با نیازها و منافع خلق بوجود آید.

فدائیان خلق معتقد به تسلیح همگانی خلق هستند و میگویند، تنها خلق مسلح به همراه سربازان، درجه داران و افسران انقلابی هستند که قادرند در مقابل هرگونه تجاوزی از استقلال و تمامیت میهن زحمتکشان دفاع کنند.

فدائیان خلق میگویند: خلقهای تحت ستم میهن ما نظیر خلق کرد، ترک، ترکمن، بلوچ و عرب که علاوه بر ستم های دیگر از ستم ملی نیز رنج میبرند، باید خود بر سر نوشتشان حاکم باشند. باید ستم ملی برافتد و به خلقهای تحت ستم اجازه داده شود که آزادانه تصمیم بگیرند که چگونه میخواهند زندگی کنند تاکنون دولت های حاکم بر ایران بردشمنی ملی دامنه زده، فارس را در برابر کرد، ترک را در برابر ترکمن، بلوچ را در برابر عرب قرار داده اند، باید برای همیشه این دشمنی ملی از بین برود.

فدائیان خلق میگویند: جنگی که اکنون بین دولت های ایران و عراق در جریان است، جنگی که به منافع عظیم اقتصادی این دو کشور و ثروت های ملی آنها، آسیبهای جدی وارد آورده، جنگی که جز کشتار، ویرانی، خانه خرابی، دربارداری، آوارگی، بیکاری، گران، فقر، بیماری و دهها مصیبت دیگر برای خلقهای ایران و عراق بیارنیاورده است، تنها بنبفع سرمایه داران دو کشور و امپریالیسم جهانی است. این جنگ باعث تشدید وابستگی دو کشور به امپریالیسم شده، انحصارات امپریالیستی سودهای کلانی از فروش اسلحه بحیب میزنند و فشار آنرا با یدتوده های زحمتکش ایران و عراق متحمل شوند.

سرمایه داران ایران و عراق با حمایت دولت های خود، بیشترین سود را از این جنگ میبرند، در خانه های امن و راحت خود دور از مناطق جنگی راحت زندگی میکنند، شیره جان زحمتکشان را میمکنند و جیبهای گشا خود را پرتر میکنند. اما کارگران را به بهانه جنگ بکار بیشتر و امیدارند، و مزد کمتری میپردازند، توده های زحمتکش با ید مالیات بیشتری بپردازند، کالاهای را گرانتر بخرند، چندین ساعت را در صفهای طویل با یدتوده های مسکونی و همه هستی آنها زیر بمباران گلوله های توپ و تانک و موشک ویران شود، عزیزان خود را از دست بدهند، آوار شهرها شوند.

فدائیان خلق میگویند: نابود با جنگ غیر عادلانه دولت های ایران و عراق زنده با یدبارداری خلقهای ایران و عراق. زیرا که خلقهای ایران و عراق هر دو تحت ستم هستند، با یکدیگر هیچگونه دشمنی ندارند، بلکه این جنگ، زحمتکشان را مطرح میکنند.

فدائیان خلق میگویند: الحاق ارضی یعنی اینکه دولتی با زور بخواهد سرزمینها و خلقهای دیگر را بخود ملحق کند، از جانب هر که باشد مخالفند و معتقدند که خود مردم آن مناطق، آزادانه باید تصمیم بگیرند که چگونه میخواهند زندگی کنند، شعار صلح بدون الحاق را همراه با برسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای خلقها مطرح میکنند.

فدائیان خلق میگویند: دولت های ایران و عراق نمیتوانند صلحی پایدار را برای زحمتکشان دو کشور تامین کنند، بلکه در نهایت برای اینکه وضعیتشان بخطر نیافتد و توده های دو کشور که زیر فشارهای ناشی از جنگ قرار گرفته اند، علیه دولت های خود قیام نکنند، با یکدیگر بر بندوبست میکنند و دوباره مدتی بعد که یکی نیرومندتر از دیگری شد، جنگ را آغاز میکنند.

اینست مختصری از آنچه که فدائیان خلق میگویند و مورد دشمنی سرمایه داران و حکومت های حامی آنها قرار میگیرند. با شدت خلقهای تحت ستم میهن ما با آن درجه از آگاهی برسند که بروشنی مرز میان دوستان و دشمنان خود را تشخیص بدهند و بدانند که فدائیان خلق تنها نیروئی هستند که پیگیرانه از منافع توده های زحمتکش دفاع میکنند.

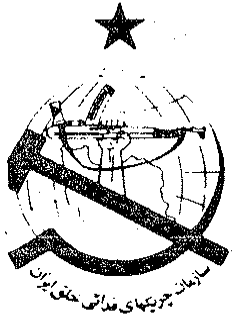
پیروزی دمبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

نابود با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پابگاه داخلی

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

آذر ماه ۱۳۵۹

با اتکاء به نیروی توده ها برای صلح دمکراتیک در کردستان بکوشیم



فدائیان خلق چه میگویند

هموطنان مبارز! کارگران، دهقانان، کسبه و پیشه‌وران، کارمندان - جزء اداری، معلمین، دانشجویان و دانش آموزان مبارز، سربازان و پرسنل انقلابی!

امروز جامعه ما گرفتاریک نابسامانی و بحران عظیم است. اقتصادیکلی از هم گسیخته است. شرایط زندگی توده‌های زحمتکش بسیار شاق و طاقت فرسا شده است. فقر و خانه خرابی، گرانی و بیکاری، جنگ و آوارگی، کمبود مایحتاج اولیه زندگی، مشکلات ناشی از جنگ و هزاران سختی و فشار زندگی را بیش از پیش بر میلیونها نفر از زحمتکشان میهن ما دشوار کرده است. نزدیک به دو سال از قیام شکوهمندی که بدست توانای شما صورت گرفت و رژیم منفور و مردور شاه را به کورسیر دمکدر د.ا.ما حکومتی که بجای رژیم شاه زمان ما مور را در دست گرفت، نه تنها به خواستهای برحق که شما خاطر سندن با آنها و تا میں بسک زندگی آسوده و شرافتمندانانه انقلاب کردید، پاسخی نداد، نه تنها دردی از دردهای شما را مدا و ابکرد. بلکه تا کسد هر روز بر بار طاقت فرسائی که شما بردوش میکشید افزود و امروز با تحمیل جنگ و مصائب و بدحسیهای ناسی آر آن زندگی را بر شما ستر از پیش دشوار کرده است.

روزی نمیکردید که تعدادی از هموطنان ما در زیر توب و نایک شما را تنها ورا اکتفای ارس مزدور و رژیم صحتلفی عراق کشته نشوند، بسیاری آواره و در بیدر شهرها و روستا نگردند، مراکز و تاسیسات مهم صنعتی و ترو تیبای ملی که نتیجتا روز حمت ملسوتها کارگر هموطن ما ست با خاک یکسان نشود.

قیمت اجناس و کالاهای مورد نیاز زحمتکشان مدا ما فرانس ساید و مایحتاج چریدی سوده ها کمبات سود و مسلما در عراق سیر همین فشارها به توده های زحمتکش عراق وارد میشود، دولت جمهوری اسلامی که از همان فردای به قدرت رسیدن سعوس با سح دادن به خواستهای شما زحمتکشان، بعوض دفاع از منافع شما سوده های سمدیده، ارسر ما سدادار آن دفاع کرد و در مقابل سما فرار گرفت، امروز هم در حالیکه مردم با مسئله جنگ، ویرانی، خانه خرابی، فقر، سبک کاری و هزاران بدحسی دیگر روبرو هستند بنحوعریان تری بهمان سیاستهای گذشته خود ادا مه میدهد و هر صدای حوظلیا به سمار حمتکشان را علیه فشارها و مشکلات موجود، بنام "ضد انقلاب" در گلو خفه میکند.

رژیم جمهوری اسلامی در طی نزدیک به دو سال مدا م به خلق وعده داد اما هیچیک از وعده های خود عمل نکرد، سوده ها دروغ گفت و هدفش فریب مردم بود. رهبران و مقامات دولتی اصلاح فکر سوده ها سبستند و سبها هکامی سید سوده ها میا فتند که حکت و دعواهای داخلی شان اوچ گرفته با شد و در چنین شرایطی است که هر یک از آنها سعی میکنند دیگری را مسئول نابسامانی موجود و فشار بر زندگی بردوش زحمتکشان معرفی کنند.

حزب جمهوری اسلامی و رهبران آن که در عمل نشان نداده اند، هیچگاه ب فکر توده ها سبده و نیستند و هم و غم آنها پر کردن کسه خود و سار سیر ما به داران است بنی صدر و لیبرالهای دیگر را که سربک آنها در حکومت اند، مسئول تمام مشکلات مردم معرفی میکنند، و متقا بلا بنی صدر و لیبرالهای دیگر نیز که همیشه از منافع سیر ما به داران و شروتمندان دفاع کرده و اولاد رفکر زحمتکشان سبستند حزب جمهوری اسلامی را مسئول نابسامانی موجود معرفی میکنند اما زحمتکشان میهن ما دیگریس از دو سال با بد سبب ستران زیاد دی دریا فته با سندن که همه آنها سروتیک کریا سندن.

مگر با زرگان لیبرال برای توده ها چه کرد که بنی صدر بکنند؟ مگر همین لیبرالها سبکه امروز دوباره ب فکر مردم افتاده اند و از مشکلات مردم و "آزادی" سخن میگویند، همان کسانی نیستند که در جهت نابودی آنچه که توده ها با قیام خونبار خود بدست آورده بودند، مشترکا با حزب جمهوری اسلامی اقدام کردند؟ مگر آنها مشترکا هر خواست برحق زحمتکشان و هر صدای حوظلیانه ای را با بر حسب "ضد انقلاب"، خفه نکردند؟ پس چه شده است که امروز دوباره سید مردم افتاده اند؟

آنها میخواستند یکبار دیگر توده ها را فریب دهند، آنها دروغ میگویند، نه در فکر توده ها هستند و نه خواستار آزادی آنها زحمتکشان میهن ما دیگر نیاید فریب وعده ها و شیرین زبانیهای این دشمنان خلق را بچورید. شما در چند سال گذشته زندگی بر تلام و سرشا را ز تجربه ای را پشت سر گذاشته اید. شما رژیم مزدور شاه و تمامی بدحسیها و مصیبتها ئی را که این رژیم برای خلق بیار آورده بود و اینکه میهن ما را در بست در اختیار امپریالیستها قرار داده بود و ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای خلق را پایمال کرده بود، تجربه کرده اید و یاد دارید. شما همچنین تا توانی هیبت حاکمه کنونی را سیر طی این دو سال گذشته تجربه کرده اید و در عمل دیده اید که آنها نیز نمیتوانند دردی از دردهای شما را مدا و اکسند و به خواستهای برحق شما پاسخ گویند. شما تا کنون حکومت سرمایه داران وابسته و ملاکین و زمینداران بزرگ، این الوهای خونخوار را تجربه کرده اید، شما اکنون بخوبی آگاهید که امپریالیسم آمریکا این سر دسته امپریالیستها، یعنی سر دسته دزدان، غارتگران چپا و لگران جهانی دشمن خلق ما، خلق فلسطین، خلق ویتنام و همه خلقهای سراسر جهان، میهن ما را به سندن کشیده و جسسه جنایاتی مرتکب شده است. بنا بر این، خلق قهرمان ایران! شما با این تحریاتی که اید و حنه اید با سبده سرتخت حوید علیه امپریالیسم و حامیان و مدافعین سرمایه داری وابسته را ادا مه دهید. نه سبها با سبده رژیم جمهوری اسلامی به سار ردای حدی پرداخت بلکه با سبده ا علیه طرفداران رژیم سابق کسانی که میخواستند ارس و صعب آسفا ده کسد و رژیم سبب تا حد ممکن مثل رژیم شاه خونخوار را دوباره بر سر کار آورند و سندن تیز کرده اید و سبده رژیم سرور و احما در سترار سارزند، مبارزه کنید.

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دمکراسی جدا نیست

فدائیان خلق چه می گویند

هموطنان مبارز

بقیه از صفحه ۱۳

شما بخوبی آگاهید که در دوران رژیم شاه منفور، فدائیان خلق این مبارزان جان برکف را بنام "تروریست" و "خرابکار" محکوم میکردند و زندانهای شاهانباشته از فدائیان خلق بود. امروز هم می بینید که جمهوری اسلامی بیشترین تبلیغات را علیه فدائیان خلق می کند و بیشترین فشار را به فدائیان خلق وارد می آورد. آیا هیچگاه از خود پرسیده اید که چرا رژیم شاه و جمهوری اسلامی هر دو این همه نسبت به فدائیان خلق دشمنی نشان داده اند؟ علتش اینست که این حکومت ها از منافع سرمایه داران و زمینداران دفاع میکنند. در حالی که فدائیان خلق از منافع کارگران، دهقانان و همه اقشار خلق دفاع میکنند. فدائیان خلق دشمنان آشتی ناپذیر امپریالیسم، سرمایه داران و زمینداران و مدافعین پیگیر منافع خلق اند.

فدائیان خلق میگویند: برای نجات میهن و تامین زندگی بهتر و آسوده برای زحمتکشان، باید هرگونه وابستگی به امپریالیسم از بین برود و نظام سرمایه داری وابسته که اساس این وابستگی است برافتد. میگویند: باید آشتی ناپذیر و سرسخت علیه سرمایه داران و وابسته با امپریالیسم و زمینداران بزرگ این زالوهای جامعه مبارزه کرد.

فدائیان خلق به کارگران میگویند: که کارخانه ها باید تحت کنترل و نظارت کارگران متشکل شده در شوراهای کارگری باشد. نه تنها کارخانه ها و موسسات متعلق به سرمایه داران و وابسته با قدرت کارگران و شوراهای کارگری قرار گیرد، بلکه تمام امکانات مادی و تسهیلات لازم برای بگردش در آوردن چرخ تولید، در اختیار شوراهای کارگری قرار گیرد.

فدائیان خلق میگویند: کارگران که نیروی عظیمی را تشکیل میدهند و چرخ اقتصاد مملکت با دستهای توانای آنها بگردش در می آید، باید از نظر مادی و معنوی کاملاً تامین شوند. دیگر سرمایه داری بالای سر کارگران نباشد و شبح فقر و بیکاری بر زندگی آنها سایه نیندازد.

فدائیان خلق میگویند: ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیل در هفته، با اضافه یک ماه مرخصی سالانه حق مسلم کارگران است. آنها مصداق دره شود و بطور رایگان در اختیار دهقانان قرار گیرد. نه تنها زمین بلکه تمام امکانات مادی لازم نظیر آب، سایل و ابزار کشاورزی، کود و ابزار برای دهقانان زحمتکش تامین شود و در اختیار آنها قرار گیرد. دهقانان باید از طریق شوراهای اتحادیه ها و تعاونیه های خود بر سر نوشت خویش حاکم گردند.

فدائیان خلق میگویند: کسبه و پیشه وران زحمتکش در نظام سرمایه داری وابسته، زیر فشار سرمایه های بزرگ اعم از دولتی و خصوصی قرار دارند. آنها با گذشت هر روز با ورشکستگی، فشارهای مالی و دهها گرفتاری دیگر روبرو میشوند. باید این فشارها پایان یابد یا بدین تمام بدهیهای آنان فوراً لغو شود.

فدائیان خلق میگویند: بیکاری که در دربی درمان نظام سرمایه داری است و امروز میلیونها نفر از هموطنان زحمتکش میهن ما قربانی این بلای خانمانسوزند باید ریشه کن شود و کار برای تمام خلق تامین گردد. این امر ممکن نیست مگر آنکه نظام سرمایه داری وابسته و همراه با آن سرمایه دارانیکه خون کارگران و زحمتکشان را بشیفته کرده اند برافتد.

فدائیان خلق میگویند: گرانی و افزایش سرسام آور قیمتها زندگی را بیش از پیش بر خلق ایران دشوار کرده است. و بیشترین بار این فشار بر دوش کارگران، دهقانان و اقشار زحمتکش شهری است. گرانی و افزایش قیمتها دیگر برای خلق زحمتکش ایران قابل تحمل نیست. باید شدت با آن مبارزه پرداخت و کالاها و مایحتاج روزمره توده ها بقیمتهای ارزان و مناسب در اختیار آنها گذاشته شود. بدین منظور در یک حکومت انقلابی که از منافع زحمتکشان دفاع میکند باید تجارت داخلی تحت کنترل دولت باشد تا دست همه مفت خورها، سرمایه داران، تجار گردن کلفت و واسطه ها کوتاه شود.

فدائیان خلق میگویند: این سرمایه داران یعنی صاحبان صنایع و کارخانه ها، و تجار ثروتمند و مفت خور با زارند، آنها هستند که کسبه و خرده تولیدکنندگان زحمتکش آنها هستند نه کسبه و خرده تولیدکنندگان زحمتکش.

فدائیان خلق میگویند: از آنجا که توده های زحمتکش زیر بار دیون و بدهی و فشارهای متعدد مالی از هستی ساقط شده اند، باید تمام دیون و بدهی آنها به بانکها و موسسات مالی لغو شود.

فدائیان خلق میگویند: تا مین مسکن برای زحمتکشان و وظیفه هر دولت انقلابی و خلقی است. همه زحمتکشان باید مسکن داشته باشند. این کار ملاطفاً و غیراً دلانهاست که عده ای محدود یعنی سرمایه داران، مالک دهها خانه و آپارتمان و ویلا باشند، یا دهها هزار محل مسکونی آماده وجود داشته باشد، اما انبوهی از توده های مردم در آلونکها و زاغه ها زندگی کنند. چرا باید ثروتمندان استثمارگر در شمال شهرها در آپارتمانهای لوکس، ویلاها، و خانه های مجلل زندگی بزه عیش و نوش و راحتی را بگذرانند، در حالی که توده های زحمتکش در جنوب شهرها، در گودها، دربندترین شرایط در یک اتاق اجاره ای زندگی کنند.

فدائیان خلق میگویند: یک دولت انقلابی باید فوراً این مسئله را حل کند و راه چاره آن اینست که اولاً خانه ها و آپارتمانهای سرمایه داران صادره شود و آنچه را که سرمایه داران رها کرده و رفته اند در اختیار زحمتکشان قرار گیرد. ثانیاً دولت حامی زحمتکشان باید با سرمایه گذاری لازم برای همه زحمتکشان مسکن تامین کند.

فدائیان خلق میگویند: فرزندان زحمتکشان باید از هر جهت تامین شوند و آموزش و پرورش و اقرار ایگان و اجباری باشد.

فدائیان خلق میگویند: خدمات بهداشتی و درمانی باید بطور رایگان و مجانی در اختیار زحمتکشان قرار گیرد. میگویند: باید آزادی فعالیت سیاسی برای تمام احزاب، سازمانها، گروهها و جمعیتها و خلق دفاع میکنند، تا مین گردد.

فدائیان خلق میگویند: باید آزادی عقیده و بیان، آزادی قلم و مطبوعات، آزادی تجمع، تظاهرات و راهپیمایی، میتینگ و حق اعتصاب و سازماندهی شوراهای اتحادیه ها و سندیکاها برای خلق تامین گردد. باید برابری کامل حقوق زنان و مردان در همه زمینه ها و شئون زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تامین گردد. زنان که نیمی از جمعیت میهن ما را تشکیل میدهند، باید فعالانه در راه امور مملکت را بعهده بگیرند.

فدائیان خلق معتقد به آزادی عقیده و مذهب و آزادی مذهبی مردم هستند. نه تنها مسلمانان اعم از شیعه و سنی که اکثریت عظیم هموطنان ما را تشکیل میدهند، باید در مراسم اعتقادات مذهبی و اجرای مراسم مذهبی خود آزاد باشند بلکه همه اقلیتهای مذهبی نیز باید از این حق برخوردار باشند.

بقیه در صفحه ۱۲



رژیم جمهوری اسلامی به فلج کردن زندگی سه میلیون بغدادی افتخار میکند

میکنند. اما این روزها کپکهاه نیتسر هائی در روزنامه های وابسته به رژیم بچشم میخورد که نشان دهنده گوشه هائی از "افتخار آفرینی" های ارتش جمهوری اسلامی است و از آن میان نیترخبری است که با وقاحت تمام به فلج کردن زندگی سه میلیون جمعیت بغداد اشاره میکند در این خبر که در کیهان پنجشنبه ۲۷ آذرماه با نیتردرشت چاپ شده آمده است که: "ضربات مرگبار ایران، زندگی ۳ میلیون جمعیت بغداد را فلج کرد بطوری که برق و آب در بغداد قطع و حیره سدی بنزین شدت به اجرا گذاشته شد".

زحمتکشان ایران بخصوص آنها که مستقیماً در نتیجه این جنگ غیر عادلانه عزیزان خود را از دست داده اند، از خاک و کاشانه شان آواره شده اند و بار فقر و گران و بیماری ناشی از آن را بدوش میکشند با خواندن این اخبار، بیش از پیش به ماهیت این جنگ پی میبرند و در می یابند که توده های محروم عراق نیز چون آنها باید بار مرگ عزیزان، آوارگی فقر، خانه خرابی، بیماری و بیماری بدوش بکشند، در می یابند که آوارگان عراقی نیز چون آنها باید برای گرفتن یک پتوی اندکی آرد ساعتها در صف ایستند و آنها نیز باید چون خودشان در سرمای گزنده زمستان، لخت و بی پناه باشند.

وظیفه همه نیروهای آگاه و انقلابی است که برای نشان دادن ماهیت ارتجاعی جنگ کسوفی، به افشای عملکردهای هر دو رژیم ایران و عراق و توضیح در مورد کشتار ویرانی و آوارگی که از معان این جنگ است، پیردازند و علیه این جنگ تحمیلی و غیر عادلانه دست به تبلیغات وسیع و همه جانبه در بین زحمتکشان بزنند.

آتش جنگ ارتجاعی دولت های ایران و عراق، هر روز بخشی از هستی خلقهای محروم دو کشور را یکا م خویشت میکشد. روزی نیست که دهها و صدها تن از زحمتکشان ایران و عراق بر اثر این جنگ تحمیلی کشته، زخمی و آواره نگردد سردمداران مرتجع و ضد خلقی هر یک از دو رژیم بعث و جمهوری اسلامی در زمینه صدور فرمان های فاشیستی و غیر انسانی به سپاهیان خود، مبنی بر ویران کردن مناطق مسکونی و مراکز اقتصادی و کشتار خلقهای زحمتکش دو کشور، در این جنگ غیر عادلانه به رقابت با یکدیگر برخاسته اند.

خلقهای زحمتکش ایران اعم از آنان که هر روز مستقیماً جان و مالشان در معرض خطر بمباران ها و آتش توپخانه ها و هواپیما های ارتش عراق است و یا آنان که در شهرهای دورتر از جبهه با عوانب ناشی از چنین جنگی دست بگریبانند، شاهد و ناظر اقدامات فاشیستی ارتش ضد خلقی عراق هستند اما بخاطر تحریف ها و دروغ های جمهوری اسلامی، در جریان اخبار آنسوی جبهه یعنی سخنی هائی که بر زحمتکشان عراق میگردد - قرار ندارند و از جنابیت های رژیم جمهوری اسلامی در عراق بی خبرند بویژه آنکه در تبلیغات رژیم ایران نه تنها از حمله به مناطق مسکونی عراق و خسارت هائی که به مردم عراق وارد می آید سخن نمیرود، بلکه بارها و بارها سردمداران جمهوری اسلامی مدعی شده اند که در مقابل بمباران شهرهای ایران توسط میگ های عراق، هواپیما های ارتش جمهوری اسلامی، اعلامیه های آگاه کننده بر روی شهرهای عراق پخش میکنند و با این ترتیب جنابیت هائی را که توسط ارتش ایران بر خلقهای عراق می رود پرده پوشی

آوارگان جنگ ...

بقیه از صفحه ۶

شما نرسیده است میگویند: بخدا تا حالا اصلاً نرسیده اند، حتی حالمان را هم نمی پرسند، بچه هایمان از کثافت دارند مریض میشوند، حتی پول نداریم آنها را به حمام ببریم. مرد جوانی که به سراسری دیدن شرایط زندگی آوارگان آمده بود میگفت من تا بحال فکر میکردم آنچه که رادیو و تلویزیون در مورد کمک به جنگ زدگان میگویند درست است، اما حالا با دیدن این صحنه های بی دروغهای آن ها میبرم.

دزفول زیر آتش توپخانه عراق!

۱۶ تا ۲۳ آذر

شهر دزفول در این تاریخ زیر آتش توپخانه ارتش ضد خلقی عراق قرار دارد هر روز چند گلوله توپ به مناطق مسکونی شهر شلیک میشود و هر بار چند نفر از هموطنان ما قربانی جنگ دودولت میشوند.

یکی از اهالی دزفول که روز هجدهم شاهد خرابی منازل مسکونی در خیابان فروهر بود میگفت "تا کسی با دیدن وضع را تحمل کنیم، اسیر شدیم، دیگر اعمالی هم برایمان نمانده است، کسی هم بفکر ما نیست".

روز بیست و دوم گلوله توپ مزدوران عراقی در نیم متری یک اتومبیل منفجر شد، شدت انفجار آن، اتومبیل را داخل مغازه ای پرتاب کرد، با انفجار و آتش گرفتن اتومبیل، ساختمان مزبور که شامل چند مغازه و انبار است آتش گرفته محل این انفجار که در خیابان امام خمینی نرسیده به (فلکه مثلث) قرار دارد از شلوغ ترین مناطق شهرواز مراکز خرید است. در این حادثه تعداد شهدا - طبق آمار دولتی - به ۶۲ نفر و مجروحین به ۱۱۲ نفر رسید. تلفات بخصوص در قسمت زیر زمین ساختمان که فروشگاه پوشاک و وسایل پلاستیکی است، بیشتر بود موج ناراضی از حاکمیت و نفرت از جنگ، همه جا را گرفته بود، مردم سعی داشتند مجروحین را به بیمارستان برسانند و اجساد را جمع کنند، به حاکمیت دشنام میدادند. پیرزنی میگفت "با سداران و ارتش برای ما کاری نمیکنند، معلوم نیست کی باید جلوی آنها را بگیری - دستفروشی میگفت آنها که در تهران و قم نشسته اند فقط فکر خودشان هستند، نمیدانند ما چه میکشیم همایش میگویند ما برای شهادت آفریده شده ایم، بخدا من نمیخواهم شهید بشوم، زور که نیست!" یکی از کسبه محل میگفت "ماندن مردم در شهر فایده ای ندارد، ما کشته میشویم ملاها برای خودشان تبلیغ میکنند، کشته شدن ما هم برایشان مهم نیست دو ماهه است اینها میگویند عقب را ندیمشان ولی هنوز پشت شوش هستند، شاید جلوتر هم آمده باشند".

حزب فدائیان خلق ایران در بغداد و ارتش فدائی

برق و آب در بغداد قطع و حیره بندی بنزین شدت به اجرا گذاشته شد

ضربات مرگبار ایران زندگی ۳ میلیون جمعیت بغداد را فلج کرد

طلبه و دانشجو
روز در دانشگاه
نماز وحدت
خواندند
نوه و اگذاری
زمین و وام
به کارگران

امام:
معلولین
زبان
گویای
اسلام و
افتخارند

کیهان
۱۲ صفت
۱۳ آنگاه دشمن در نبردهای
دیروز جنوب منهدم شد

چنانکه های
ایران از بلاشکاه
های عراق چشم
وامیسی بپسند
آورده اند.
روزهای عراق که
بر روی جوانی ایران
را نابود شده ایم
مرکز ما را
مبارکی که شکسته
های ایران هر روز
طایفه های از
مکتب

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

پتک است خون من درد دست کارگر داس است خون من درد دست بزرگ

گرامی باد خاطره
شهدای دیمساح

در سالهایی که رژیم ضد خلقی شاه با پشتیبانی امپریالیسم جهانی در اوج قدرت بود و دستگاه های پلیسی هرگونه حرکت را سرکوب می کرد، مبارزان راستینی که دلشان آکنده از عشق به خلق و طبقه کارگر بود پای در میدانها دندوبیا خون خویشتن نهال جنبشی را آبیاری کردند که روزی - نه چندان دور - درخت تنای وری خواهد شد با رآ و روسا یه گستر، با نام "حزب طبقه کارگر" و در سال های اخیر نیز این عشقان رهائی طبقه کارگر همچنان خط سرخ شهادت را دنبال کرده اند .
همراه با گرامی داشت یا دشان، پییمان می بندیم که جز آرمان کارگران و زحمتکشان هرگز هدفی دیگر را دنبال نکنیم .

- ★ فدائی شهید رفیق فاطمه (شمسی) نهانی ★ فدائی شهید رفیق یوسف زرکاری ★ فدائی شهید رفیق کاظم شهیدی ثالث
- ★ فدائی شهید رفیق فاطمه حسن یوراصلیل ★ فدائی شهید رفیق مسرور فرهنگ ★ فدائی شهید رفیق محمدرضا احمدی
- ★ فدائی شهید رفیق بهمن روحی آهنگران ★ فدائی شهید رفیق خدا بخش شالی ★ فدائی شهید رفیق حسن محمودیان
- ★ فدائی شهید رفیق مرتضی حاج شفیعیا ★ فدائی شهید رفیق فتح الله کریمی ★ فدائی شهید رفیق حسن نوروزی

آوارگان جنگ بدون بهره از کمترین امکانات رفاهی

جنگ غیر عادلانه دولت های ایران و عراق، بیش از سه ماه است توده های مردم و زحمتکش را زیر آتش توپ و خمپاره و راکت قرار داده است . هر روز دهها نفر از هموطنان ما کشته و زخمی میشوند، صدها خانواده، خانه خراب و آواره میشوند و در مقابل، دولت همچنان به "شرح فتوحات" خود در اعلامیه های ارتش میپردازد اما کوچکترین گامی در جهت تامین حداقل امکانات زندگی و وسایل رفاهی - آوارگان که در شهرهای مختلف پراکنده اند، بر نمیدارند:

در اصفهان

حدود سه هزار نفر از جنگ زدگان شهر های خوزستان در خوابگاه دانشگاه صنعتی اصفهان سکونت دارند . در این خوابگاه به هر خانواده یک اتاق داده شده و به هر خانواده تعدادی پتوی سربازی داده اند، مثلاً به یک خانواده پنج نفری هفت پتو داده شده هم بعنوان زیرانداز و هم بعنوان روانداز . جنگ زدگان از رفتاری که با آنها میشود بسیار ناراحتند و میگویند ما مثل اسیرها رفتار میشود مثلاً به هر نفر یک کاسه داده اند که موقع غذا با یدبه سلف سرویس پرود و کاسه اش را پر کنند . آوارگان میگویند ما در این سرما حتی لباس کافی هم نمیدهند، مردم خیلی کمک میکنند اما مسئولین

سال نو مسیحی را به هم میهنان زحمتکش مسیحی تبریک می گوئیم

ایمان داریم که با اتحاد و همبستگی رزمندگان کارگران و زحمتکشان سراسر جهان قادر خواهیم بود به پیروزی های نوینی در مبارزه با امپریالیسم جهانی به سرگردگی آمریکا دست یابیم .

اینجا فقط لباسهای کهنه را بیا میدهند، اعمال شیوه های پلیسی و جاسوسی از جانب پاسداران خشم آوارگان را بر ما نگیرد . پاسداران هر وقت بخوانند اتاق و وسایل جنگ زدگان را میگردند و اگر نشریه مترقی و انقلابی پیدا کنند صاحبش را با خود میبرند . به علاوه عواملی از خود را میان جمعیت بکار رگما رده اند تا هر کس ابراز نا رضایتی کرد گزارش بدهند .

در اهواز

دبیرستان های منوجهی و هفده دی اهواز محل سکونت آوارگان جنگی دیگر شهر های خوزستان است . این آوارگان از نظرا امکانات اولیه مثل چراغ، نفت پتو، قند و روغن و ... در مضیقه هستند . زنی میگفت در این مدت کسی نیامده بما بگوید چراغ دارید یا نه، آ خر من با پنج بچه کوچک چکار کنم، چطور گرمشان کنم، چطور سیرشان کنم؟ ما در این کلاسهای سرد، حتی زیلوند داریم که روی زمین بنشینیم . مرد جوانی میگفت در این مدت حمام نتوانسته ایم بگیریم، بچه ها با پای برهنه و یک پیرهن با سر و صورت کثیف صبح را به شب و شب را به صبح میرسانند، خطر بیماری، از دیاد شیش و ... بسیار زیاد است . دوزن خوان در پاسخ اینکه مگر تا بحال دولت به بقیه در صفحه ۱۵

حمله به نیروهای انقلابی را محکوم می کنیم

بدنبال حمله وحشیانه مهاجمین مسلح و بسته به کمیته ها و سپاه پاسداران به دفتر "جامعه کارکنان مسلمان" واقع در خیابان مبارزان که در روز چهارشنبه سوم دیماه صورت گرفت و تا شامگاه بطول انجامید، حمید رضا رضائی یکی از هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران شهادت رسید و دهها تن مجروح و مصدوم گردیدند .

این حمله، بیش از پیش وحشت رژیم جمهوری اسلامی ایران را از رشد روز افزون سازمانهای انقلابی و گسترش پایگاه توده ای آنها نشان میدهد .

هر روز شاهد حمله چماق داران و عوامل وابسته به باندهای سیا به انقلابیون هستیم که روزنامه ها و نشریات سازمان های انقلابی را در اختیار توده ها قرار میدهند و توده ها را نسبت به واقعیات موجود و ماهیت رژیم جمهوری اسلامی آگاه می سازند .

تهاجم روز چهارشنبه گذشته نیز یکی از هزاران صحنه ای بود که هر روز شاهد آنیم . اما نکته قابل توجه آنکه در صحنه فاجعه، رژیم برای متفرق کردن مردمی که به حمایت از نیروهای انقلابی شتافته بودند به آژیر قرمز و اعلام وضعیت قرمز متوسل شد و هزاران گلوله ضد هوایی بهوا شلیک شد تا شایده توده های خشمگین را از حمله هوایی بترساند و از صحنه فاجعه متفرق سازد .

اما باندهای مسلح، آژیرهای خطر و شلیکهای هوایی، نه تنها مانع اعتراض توده ها نمی شود بلکه تنهاما هیت ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی را عریان تر خواهد ساخت .

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش